

در روزگاران پیشین، چاپ اکتاب‌های آعرابی در اروپا به دلایل گوناگون فراز و نشیب‌های بسیاری به خود دیده است. گرچه بسیاری از منابع عربی و خارجی به این موضوع پرداخته‌اند، اما باید گفت که تاریخ چاپ عربی در اروپا را نمی‌توان به اختصار مورد بررسی قرار داد و یا به ارائه یک سخنرانی اکتفا کرد، بلکه به پژوهش عمیق و مستند نیاز دارد و چه بسا موضوع خوبی برای یک رساله دانشگاهی در رشته‌های تاریخ، کتابداری و یا شرق‌شناسی باشد. در اینجا، نویسنده بریک حقیقت تاریخی تأکید دارد که شاید بسیاری از کسانی که به تاریخچه چاپ در جهان پرداخته‌اند بدان توجه نکرده‌اند و آن این است که صنعت چاپ در درجه اول معلول اختراع کاغذ در اوایل قرن دوم میلادی در چین است.^(۱) پس از گسترش اسلام، مسلمانان مدت هفت قرن تولید کاغذ را در انحصار خود داشتند.

با آنکه چند قرن پیش از اختراع کاغذ، پاپیروس^۱ در مصر کشف شده بود، اما امکان راه یافتن آن به اروپا، به عنوان وسیله‌ای برای نگارش وجود نداشت، تا اینکه قرن‌ها بعد، یوهان گوتنبرگ (Yohan Gutenberg) چاپ را اختراع کرد.

برخی از مورخان معتقدند که گوتنبرگ حروفچینی را از یک دانشمند هلندی به نام لورنس جانسون کاستر^۲

تاریخ چاپ کتاب به زبان عربی در اروپا

(قرن ۱۵-۱۸ م.)

قاسم سامرایی*

مترجم: یاسمه رضایی**

چکیده: موضوعات مطرح شده در این مقاله عبارتند از: تاریخ اختراع کاغذ و انتقال دانش آن به اروپا؛ آشنایی مسلمانان با صنعت چاپ و استفاده حاکمان اسلامی در مغرب اسلامی از آن در قرن ششم هجری/دوازده میلادی؛ چاپخانه‌ها و چاپخانه‌دارهای اروپایی عصر رنسانس؛ عوامل سیاسی-اجتماعی در چاپ متون عربی و نام و نشان برخی از آنها و سیر تحولات در چاپ در اروپای سده‌های ۱۵ تا ۱۸ میلادی؛ نقش کشیش‌ها و مبلغان مسیحی در چاپ کتاب‌هایی به زبان عربی؛ تأثیر و نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در پیشرفت دانش در اروپا.

کلید واژه: متون عربی؛ صنعت چاپ؛ اختراع کاغذ؛ اروپا.

۱. papyrus: گیاهی است آبی که اکنون تقریباً در مصر کمتر دیده می‌شود، اما در مصر باستان مورد استفاده فراوان داشته است. ریشه آن را برای سوخت، مغز را برای خوراک و ساقه‌اش را برای ساختن طناب، بادبان، پارچه و تهیه نوشتگاه (موسوم به پاپیروس) به کار می‌بردند. استفاده از پاپیروس در مصر، تا قرن ۴ م. که کاغذ بدان جایگزین یافت. رواج داشت و از مصر به سراسر کشورهای ناحیه مدیترانه صادر می‌شد.

۲. Lourens Janzoon Coster: خادم هلندی کلیسا، که می‌گویند پیش از گوتنبرگ حروف متحرک را برای چاپ به کار برد. با آنکه از وجود کتاب‌های چلی در زمینه دستور زبان لاتینی در هلند، مطالبی وجود دارد، اما احتمالاً او کتاب‌های لوحی خود را به کمک الواح چوبی چاپ می‌کرده است.

✓ مشخصات مقاله چنین است:
قاسم السامرائی «الطباعة العربية في أوروبا، ندوة تاريخ الطباعة العربية حتى انتهاء القرن التاسع عشر، دبي ۲۳-۲۲ أكتوبر ۱۹۹۵م. - ابوظبی: المجمع الثقافي، ۱۹۹۶، ص ۱۰۸-۲۷».

* استاد دانشگاه لیون (هلند).
** کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

آموخت. او چند کتاب در زمینه دستور زبان به زبان لاتینی چاپ کرده بود؛ سوند دال^۳ احتمال می دهد چاپ این کتاب ها با قالب های چوبی انجام شده باشد.^(۴)

آنچه مسلم است، اروپا در آن زمان مصرف کننده کاغذ های عربی بود. آنها از بغداد و دمشق، از راه قسطنطنیه^۴، از شمال آفریقا، از راه سیسیل^۵ و از اندلس^۶، از راه فرانسه، کاغذ وارد می کردند و تازمانی که اروپاییان این فن را آموختند این تجارت ادامه داشت. اولین کارخانه کاغذ سازی اروپا در جنوب غربی فرانسه توسط ژامونت گولفیه^(۷) در سال ۵۴۲ ق/ ۱۱۴۷ م، بنا شد.

گولفیه در دوره دوم جنگ های صلیبی شرکت داشت. در آن جنگ به اسارت مسلمانان در آمد و دوران اسارت خود را در دمشق به سر برد. در آن زمان دمشق، بغداد، شاطبه^۷ و فاس^۸ از مهمترین مراکز صنعت کاغذ در جهان اسلام به شمار می آمدند. بدین طریق [اروپاییان] با وسایل و صنعت کاغذ سازی آشنا شدند و این فن را به فرانسه منتقل کردند. پس از یک قرن و درست در سال ۱۲۲۶ م / ۶۲۳ ق، نخستین کارخانه کاغذ سازی ایتالیا ساخته شد. چیزی نگذشت که در قرن ۸ ق/ ۱۴ م، ایتالیا صادر کننده اصلی کاغذ به اروپا گردید.

پس از آن، بازار کاغذ اسلامی در اروپا راکد شد^(۹) و کاغذ اروپایی جای آن را گرفت و کم کم به بازار های عربی و اسلامی نیز راه یافت.

صنعت چاپ به هیچ وجه اختراع اروپاییان نیست بلکه ادامه ابتکار چینی ها و پس از آن مسلمانان است. اروپاییان نه تنها چاپ را از مسلمانان آموختند بلکه اندیشه و فن آوری را نیز از آنان فرا گرفتند. زمانی که در ژاپن، کره، چین و اویغور^۹ کتاب ها به وسیله قالب های چوبی و سپس با حروف متحرک چاپ می شدند، در جهان اسلام، به طور عام و اروپا به طور اخص کتاب ها با دست نوشته می شدند.^(۱۰) البته در جهان اسلام برای چاپ با قالب های چوبی، کوشش هایی صورت گرفت، اما از آنجا که این صنعت با روحیه و ذائقه مسلمانان (آن هم به خاطر

زیبایی خط عربی) سازگار نبود، گسترش نیافت، نه به دلایل دینی، چنان که توماس فرانسیس کارتر (Thomas Francis Carter) اظهار نظر کرده که: "مسلمانان به دلایل دینی از چاپ^(۱۱) کتاب های مقدسشان با وسایل مکانیکی خودداری می کردند."^(۱۲) و به همین سبب رواج چاپ از خاور دور به اروپا به تعویق افتاد^(۱۳). گویا کارتر و سوند دال^(۱۴) از مقالات زیادی که مسلمانان درباره کاربرد قالب های چوبی در چاپ کتاب های دینی به ویژه قرآن کریم^(۱۵) و کتب ادعیه نوشته بودند اطلاعی نداشته اند؛ مسلمانان حتی کارت های بازی را هم چاپ می کردند^(۱۶).

در مشرق اسلامی و اندلس، در پایان قرن ۳ ق/ ۹ م، کتاب ها را با قالب های چوبی چاپ می کردند، زمانی که فونگ تائو کتاب های کهن ادبی چینی را چاپ می کرد. در همین ارتباط بیش از پنجاه سند عربی که بر روی پوست (=رق)، کاغذ و پارچه کتان نگارش شده بود در واحه فیوم در مصر، به همراه اسنادی از پاپیروس معروف به "پاپیروس های دوک راینر" کشف شد، که به سال های ۲۸۷ تا ۷۵۱ ق، برمی گردد. این اسناد بین کتابخانه های قاهره، هایدلبرگ، برلین، موزه بریتانیا، کتابخانه دانشگاه کمبریج و موزه دانشگاه پنسیلوانیا تقسیم شد. هم اکنون اکثر آنها در کتابخانه ملی وین نگاه داری می شوند^(۱۷) و فهرست چاپی کاملی نیز از آنها موجود است.^(۱۸)

اشاراتی نیز در کتاب های تاریخی وجود دارد که اسکناس ها^(۱۹) با قالب های چوبی چاپ می شدند. طبق روایت عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه [۵۹۹ - ۶۶۵ ق] صاحب کتاب الروضتین فی اخبار الدولتین، این اسکناس ها در روزگار پادشاهی نورالدین محمود زنگی رواج داشته و به اسکناس های سیاه (= القراطیس الاسود) معروف بود، اما از آنجا که شیخ عبدالله یونینی^(۲۰) آنها را قبول نداشت، این اسکناس ها منسوخ شد.

همچنین بنا به روایت رشیدالدین فضل الله همدانی [۷۱۸ ق]، چاو^۱ عبارت بوده از صفحه ای که مهر پادشاه

۳. Svend Dahl؛ نویسنده، محقق و رئیس هیأت امنای دانشگاه کپنهاک است.

۴. قسطنطنیه پایتخت سابق امپراتوری بیزانس و امپراتوری عثمانی است که از سال ۱۹۳۰ م، رسماً استانبول خوانده می شود.

۵. سیسیل جزیره ای است واقع در بحر روم میان شبه جزیره ایتالیا و تونس.

۶. اندلس ناحیه ای است در جنوب اسپانیا کنار دریای مدیترانه. شهرهای عمده آن عبارتند از: سویل، غرناطه، قرطبه، کادیت و مالگاکا.

۷. شاطبه شهری است در مشرق قرطبه در خاور اندلس.

۸. فاس شهر مشهور بزرگی است بر کرانه دریای مغرب و بزرگترین شهر مراکش شمرده می شود.

۹. اویغور یکی از متمدن ترین قبایل ترک که در نیمه قرن دوم هجری جماعتی از ایشان به حدود ترکستان هجرت کردند و در شمال شرق ترکستان سکونت کردند. قوم اویغور پس از استیلای ترکستان شرقی با تخارها مخلوط شدند و از اختلاط ایشان نژاد مخصوصی به وجود آمد که مدت چهار قرن بر بلاد مذکور حکومت داشتند و متشاه تمدن های دوره قرون وسطی به شمار می روند. این قوم به سبب موقعیت جغرافیایی خود واسطه ارتباط

بین ایرانیان، چینیان و هندوان بودند.

۱۰. چاو نوعی اسکناس کاغذی است.

مسیحیت فراهم نمی‌آمد و اگر شرق شناسی و تبلیغ مسیحیت همزمان نبود، چاپ کتاب‌های عربی در اروپا انجام نمی‌گرفت.

بر این مبنایا، اگر اروپاییان صنعت کاغذسازی را از مسلمانان نمی‌آموختند به فن چاپ دست نمی‌یافتند، مسلمانانی که هفت قرن این صنعت را در سمرقند، بغداد، دمشق، قاهره، شاطبه و فاس تحت سلطه خود گرفته بودند. اروپاییان با مسلمانان رقابت کردند و در نتیجه بازارهای اسلامی با آغاز قرن ۱۰ (ق/۱۶م)، از کاغذ ارزان قیمت انباشته شد و رفته رفته تولید کاغذ نیز در شرق و شمال آفریقا در انحصار آنها قرار گرفت.

اروپاییان علاوه بر آموختن صنعت کاغذسازی، فن چاپ بر روی قالب‌های چوبی را نیز از مسلمانان فرا گرفتند و در اواخر قرن ۸ ق/۱۴م، توانستند با استفاده از این نوع چاپ، کتابچه‌های کوچکی را که شامل سرگذشت روحانیان و عکس‌های آنان بود برای عامه مردم کشورهای آلمان و هلند چاپ کنند.^(۳۳) و شاید همین امر عامل رشد این نوع چاپ شده باشد.

یک روایت قدیمی می‌گوید که در قرن ۷ ق/۱۳م، یک ایتالیایی به کمک خواهرش توانست داستان عشق اسکندر مقدونی را روی قالب‌های چوبی چاپ کند. (البته، ایتالیا، فن این صنعت را از مصر فرا گرفته بود).^(۳۴) شاید قدیم‌ترین متنی که در اروپا با حروف عربی و به شیوه قالب‌های چوبی چاپ شده است، کتاب برنارد برایدن باخ باشد که تحت عنوان رحلة للأرض المقدسة (Bernhard Breydenbach: Peregrinatio in terram Sanctam).

در شهر ماینتس آلمان در سال ۱۴۹۸م، به چاپ رسید. عوامل شش‌گانه زیر باعث شد که مسیحیان عملاً و علناً بر علیه اسلام که از نظر آنان دینی پرمعما بود، اقدام کنند و به اسلام و مسلمانان تهمت‌های ناروا وارد آورند:

۱. ظهور اسلام و غلبه‌اش بر نیروهای ایرانی و بیزانسی (تواناترین نیروهای نظامی و سیاسی در جهان آن روز)؛
۲. گسترش سریع اسلام در کشورهای مسیحی مانند شام، شمال آفریقا و اندلس؛
۳. شکست صلیبیان و عقب‌نشینی آنان در برابر صلاح‌الدین ایوبی؛

بر روی آن ثبت می‌شد و به جای درهم در سرتاسر شهر ختای^(۳۵) برای داد و ستد رواج داشته است. همچنین، مغولان ایران و عراق از آن بهره می‌بردند امانه به گونه‌ای که در شهر ختای رایج بوده است. از اینرو این نوع داد و ستد منسوخ گردید و باعث و بانی آن نیز کشته شد.^(۳۶)

درباره فن چاپ از مشرق اسلامی به اروپا، ژاک رسلر (J. Risler) می‌گوید: احتمال دارد مردم هوشمندجنووا^(۳۷)، به دلیل غنیمت شمردن فرصت‌های تجاری، شیوه چاپ اسکناس را به صورت حروف متحرک از شرق به اروپا وارد کردند.^(۳۸)

از منابع تاریخی موجود در اندلس چنین برمی‌آید که صنعت چاپ در آنجا نیز متداول بوده است. در زندگی‌نامه ابوبکر قلوبی در کتاب الإحاطة فی أخبار غرناطة از محمد بن عبدالله بن خطیب، اشاره به نامه غیرمستعارفی شده که در آن زمان در مورد خواص آمده و دستگاه چاپ به وزیر وقت نوشته شده بود.^(۳۹) به روایت محمد بن عبدالله بن آبار، شخصی بنام بدرغلام شاهزاده عبدالله، پس از انشای مطالب، آنها را برای چاپ به چاپخانه می‌فرستاد و سپس آنها را بین کارگزاران خود توزیع می‌کرد.^(۴۰)

ژاک رسلر نیز در این زمینه می‌گوید: کاتب خلیفه عبدالرحمن سوم^(۴۱) در قرطبه، با استفاده از یک دستگاه چاپ ساده که نحوه کار آن بر ما معلوم نیست، اسناد رسمی و نامه‌های اداری را در چند نسخه تکثیر می‌کرده است.^(۴۲)

علاوه بر آنچه که گفته شد، نگارنده این مقاله، در کتاب خود با نام مقدمه فی الوثائق الاسلامیة^(۴۳) اشارات دیگری نیز در این زمینه آورده است.

اساساً چاپ متون عربی در اروپا، مرهون عوامل زیر بوده است:

- ۱) صنعت کاغذ؛
- ۲) تب مسیحیت؛
- ۳) نفوذ استعمار؛
- ۴) توسعه علم شرق‌شناسی و تبدیل آن به یک نظام مبتنی بر اصول پایدار.

در اینجا باید اضافه کرد که اگر صنعت کاغذ به اروپا نمی‌رسید، مسلماً چاپی وجود نداشت. اگر استعمار اروپایی به صورت‌های مختلف وجود نداشت، فرصتی برای تبلیغ

۱۱. خطایا ختاشهریست در ترکستان.

۱۲. مرکز لیگوریا در ایتالیا.

۱۳. عبدالرحمن سوم، ملقب به ناصر، هشتمین امیر و نخستین خلیفه از خاندان اموی است.

۱۴. قرطبه یا کوردوبا شهری است در اسپانیا که پس از تصرف عرب‌ها در سال ۷۵۶ م، پایتخت دولت امویان در اندلس بود.

Die Saraceni buche Arabischung vnd litter. welche litter hie vnden stect in rechter form gedrucket.

Dal	Dal	Feh	Shayb	Shaym	Arsh	Arsh	Se	Alph
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف
دال	دال	فہ	شایب	شایم	ارش	ارش	سے	الف



برگی از کتاب «سفر به سرزمین مقدس» آلمان، ۱۴۹۸ م.

۴. نا امیدي کلیسا، هنگامی که قبایل تاتار [مغولان] داوطلبانه به اسلام روی آوردند؛
۵. افزایش قدرت دولت عثمانی؛ به گونه ای که سپاهیان آن کشور توانستند از دروازه وین بگذرند؛
۶. بی نتیجه ماندن کلیه تلاش های آنان در مسیحی کردن مسلمانان، با اینکه در آن زمان اغلب کشورهای مسلمان نشین زیر سلطه کشورهای اروپایی قرار داشت. البته این خود بحث جداگانه ای است که نگارنده در کتابی با نام: الاستشراق بین الموضوعیة و الافتعالیة به آن پرداخته است.^(۲۵)
۷. سقوط قسطنطنیه به دست محمد فاتح^{۱۵} که پادشاهی دلیر و شجاع بود، در بیستم جمادی الاول سال ۸۵۷ ق/ ۱۴۵۳ م.

موجی از ترس و وحشت در دل اروپاییان ایجاد کرد، به طوری که می گفتند مسلمانان بیش از هر زمان دیگری خطرناک شده اند.^(۲۶) و این خود انگیزه ای بود برای گوتنبرگ که یک سال پس از سقوط قسطنطنیه، رساله ای با عنوان: تقویم ترکی (Turken Kalender) منتشر کند. این رساله در حقیقت هشداري بود برای اروپاییان که از خطر اسلام، افزایش قدرت آن در شرق و خطر نابود کننده آن برای اروپا آگاهی یابند. شاید این همان رساله ای باشد که گوتنبرگ در سال ۱۴۵۴ م، تحت عنوان فریاد مسیحیان بر ضد ترکها (Eine Mahnung der Christenheit Wihder die Turken) منتشر کرد که تنها نسخه باقی مانده آن، اکنون در کتابخانه دولتی مونیخ نگاه داری می شود. این احساس ترس و وحشت اروپاییان سبب شد که در سال ۱۴۷۲ م، کتابی اسطوره ای تحت عنوان: نامه های محمد کبیر امپراتور ترک به لودویک زاکیا (Laudivic Zacchia) چاپ و منتشر شود. مضمون این کتاب نامه های دوستانه بین سلطان محمد فاتح و پادشاهان اروپاست که بار دیگر در سال ۱۵۶۳ م، در شهر ونیز به زبان ایتالیایی منتشر شد.^(۲۷)

سقوط قسطنطنیه و پیشروی عثمانی ها به طرف غرب، باعث شد که تعدادی از ماجراجویان اروپایی به منظور کشف این معمای حیرت انگیز، وارد استانبول و کشورهای جهان عرب شوند. در نتیجه، سفرنامه های متعددی، البته، از دیدگاه اروپاییان نوشته شده که پر بود از ماجراجویی ها و عجایبی درباره شرق، مردمان آن و آداب و رسوم و سبک زندگی آنها. در ضمن، سفرنامه های دیگری نیز توسط عده ای که شاهد جنگ های صلیبی بودند به رشته تحریر در آمد.^(۲۸)

اسپانیا

پس از سقوط غرناطه^{۱۶} در سال ۸۹۸ ق/ ۱۴۹۲ م، هرناندو دو تالورا^{۱۷} سراسقف شهر، معتقد بود که برای مسیحی کردن موریسکوها^{۱۸} حتماً باید کشیش ها و رجال کلیساهای غرناطه بازبان آنها آشنا شوند.^(۲۹) با همین انگیزه، در سال ۹۱۱ ق/ ۱۵۰۵ م،

۱۵. محمد فاتح یا محمد دوم هفتمین سلطان عثمانی است، پسر سلطان مراد دوم. در زمان پدرش حاکم ماگنسیا بود و چون برادرش علاء الدین که ولیعهد بود کشته شد، به جای او ولیعهد دولت عثمانی شد.

۱۶. غرناطه شهری است در جنوب اسپانیا در ناحیه اندلس.

۱۷. Hernando de Talavera: نخستین سراسقف غرناطه.

۱۸. موریسکوها نام عرب های مسلمانی است که پس از تسلط اسپانیایی ها بر اعراب در اسپانیا باقی ماندند. پیش از ۱۴۹۲ م، درباره مذهب با آنان سختگیری نمی شد ولی پس از آن ناچار بودند که مسیحی شوند یا از اسپانیا بیرون روند. بسیاری ظاهراً مسیحی شده بودند ولی در پنهان به شعائر اسلام عمل می کردند. شدت عمل مسیحیان سبب شورش موریسکوها در غرناطه شد که به سختی سرکوب گردید. بار دیگر در دوره تفتیش افکار اسپانیا، این مسلمانان مورد شکنجه قرار گرفتند و کار به شورش خونین موریسکوها انجامید که فیلیپ دوم آن را فرونشاند. سرانجام در سلطنت فیلیپ سوم در ۱۶۰۹ م، همه این عربها را از اسپانیا اخراج کردند. اعراب آنان را به نام «اندلسیین» می نامند.



صفحه‌ای از کتاب «فرهنگ اسپانیولی-عربی» غرناطه، ۱۵۰۵ م.

در سال ۱۵۶۶م، اسقف اعظم والانسیا،^{۱۹} مارتین پیریز دو آلیا (Martin Perez de Ayala)^{۲۰}، کتابی با عنوان: دین مسیحی به زبان‌های عربی و قشتالی (Doctrina christiana en la lengua castellana) منتشر کرد. پس از آن، به طور پیوسته کتاب‌های متعددی برای جلب مورسکوها به مسیحیت، منتشر شد که هیچ‌گونه نتیجه‌ای نداشت. بدین جهت، در سال ۱۶۰۹/ق، پادشاه فرانسه فیلیپ سوم^{۲۱} با اصرار مکرر واتیکان^{۲۲}، تصمیم گرفت که مورسکوها را از اندلس اخراج کند. در این مورد، کتابی تحت عنوان: ناصرالدین علی القوم الکافرین از یک شاهد عینی به نام احمد بن قاسم حجری^{۲۳} که از اندلس گریخته بود در دست است. حجری در این کتاب، تمام مشاهدات خود را آورده است.^{۲۴}

روحانیون مسیحی در قرن ۷ ق/۱۳ م، یقین کردند که مشکل اساسی در نصرانی شدن مسلمانان، ناشی از عدم آشنایی آنها با انجیل و به تبع آن با مسیحیت است. بنابراین،

در شهر غرناطه، یک راهب اسپانیایی به نام پدرو آلکالایی^{۲۵} کتابی را با حروف عربی و به وسیله قالب‌های چوبی منتشر کرد.^{۲۶} هدف از انتشار این کتاب نشان دادن عظمت و درستی مذهب کاتولیک برای مورسکوهایی بود که در قیام‌کوه‌های بغراس^{۲۷} ناکام مانده بودند و مهتر آنکه اسلام رازشت جلوه دهند.

این کتاب که دو جلد در یک مجلد بود^{۲۸}، بار دیگر در همان سال در غرناطه و نیز در گوتینگن آلمان در سال ۱۸۸۳م،^{۲۹} با دو عنوان زیر چاپ و منتشر شد:

۱. روشی آسان برای یادگیری زبان عربی

(Arte para ligeramente Saber la lengua arauiga)

مبلغان مسیحی از این کتاب برای آشنایی با زبان متداول

مورسکوهای غرناطه استفاده می‌کردند.

۲. فرهنگ اسپانیولی - عربی

(Vocabulista aravigo en letra Castellana)

نویسنده در مقدمه چاپ نخست کتاب خود چنین آورده است: "وقت آن فرارسیده که این ملت را که بیشتر مسیحی بوده از ظلمت و گمراهی و همچنین از دست پیغمبرشان که حتی شایستگی نام بشر را ندارد نجات دهیم..."^{۳۰}

در این کتاب کشیش پرسش‌های متعددی را با مقاصد عجیب و معانی غریبی برای مردم تازه مسیحی شده غرناطه مطرح کرده است که خود این پرسش‌ها عمق شک و نگرانی کلیسا را در نصرانی کردن مورسکوها منعکس می‌کند. نویسنده در پایان کتاب، اشاره می‌کند که وی دو کتاب خود را در سال ۱۵۰۱م، به اتمام رسانده بود اما از این لحاظ که در آن زمان در غرناطه، چاپخانه‌ای وجود نداشت، او مجبور شد پس از چهار سال، یعنی در سال ۱۵۰۵م، با کمک شخصی به نام خوان دو وارا (Juan de Varela) از مردم سلامنکا، دو کتاب مذکور را در غرناطه به چاپ برساند.^{۳۱}

عجیب آن که در سال ۱۹۲۸م، انجمن اسپانیایی -

آمریکایی، کتاب دوم پدرو آلکالایی را در نیویورک تجدید چاپ کرد.^{۳۲}

۱۹. Pedro de Alcala؛ خاورشناس پیش کسوت اسپانیایی و نخستین کسی که برای یک زبان اروپایی، فرهنگ واژگان عربی نوشت.

۲۰. بغراس؛ شهری است در دامنه کوه لکام در بلاد شام که ۱۲ میل نااطاقیه فاصله دارد.

۲۱. Valans؛ شهری در شمال اسپانیا کنار مدیترانه که به عربی بلنسیه گویند.

۲۲. فیلیپ سوم، پادشاه فرانسه، پسر ارشد سن لویی ملقب به فیلیپ جسور.

۲۳. واتیکان، قلمرو حکومت دینی پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان در شهر رم پایتخت ایتالیا قرار دارد. در این قلمرو، کاخی به همین نام در قرن ۵ م، ساخته شد. بر اساس قرارداد لاتران که در سال ۱۹۲۹م، به امضاء رسید، واتیکان دارای حکومت مستقل شد. این قرارداد در سال ۱۹۲۷م، به صورت یکی از مواد قانون اساسی ایتالیا در آمد.

۲۴. احمد بن قاسم، نام بازرگانی است از اهالی مراکش.



تلاش های فراوانی آمیخته با تعصب شدید صورت گرفت تا زبان عربی را به منظور ترجمه انجیل بیاموزند و آن را در بین مسلمانان ترویج کنند. به عنوان نمونه در قرن ۷ ق/ ۱۳م، ریموند لول^{۲۵} رامی توان نام برد که بیش از دیگران به اهمیت فرا گرفتن زبان عربی برای تبلیغ مسیحیت معتقد بود. به همین دلیل یک اسیر اندلسی خرید تا از او عربی را هر چه بهتر و سریع تر بیاموزد. این کار او الگویی شد برای دیگر علمای مسیحی به ویژه راهبان دومینیکیان^{۲۶} و فرانسیسیان^{۲۷} که قیمت های گزافی را می پرداختند تا یک اسیر مسلمان و فقیه را خریداری کنند و بدین طریق با احکام اسلام آشنا شوند و از این احکام به نفع خود و برای تبلیغ مسیحیت استفاده کنند.

آثاری چند از برخی از این اسیران، که پس از رهایی از اسارت نوشته شده، به دست ما رسیده است.^(۲۸) مانند کتاب مقام الصلبان فی الرد علی عبادة الأوثان از احمد ابن عبدالصمد خزرجی^(۲۹)، مفتاح الدین از محمد قیسی، رسالة السائل و المجیب از محمد انصاری اندلسی^(۳۰) و غیره. علاوه بر این کتاب ها، در برخی از سرگذشت نامه ها نیز از زندگی این اسیران داستان هایی نقل شده است. به تازگی کتابی در بروکسل منتشر شده^(۳۱) که حاوی نامه های یکی از کشیشان هلندی به نام نیکولاس کلنارد (Nicolaus Klenardus) است. این کشیش هلندی پس از فرا گرفتن زبان عبری، کتابی درباره دستور زبان عبری در بیست و دو نسخه منتشر کرد. سپس کتابی در دستور زبان یونانی نوشت که بیش از صد نسخه از آن منتشر شد. آنگاه به تبعیت از ریموند لول^(۳۲) که آموزش زبان عربی را بهترین راه تبلیغ مسیحیت می دانست، تمام فکر خود را معطوف فراگیری این زبان کرد تا بتواند انجیل را به عربی ترجمه کند. کلنارد بدین منظور به سلامنکا مسافرت کرد و از آنجا به سویل (Sevil)^(۳۳) و

غرناطه رفت، نامه ای برای شارل پنجم پادشاه فرانسه نوشت و از او برای دست یافتن به کتاب های عربی که از سوی دادگاه های تفتیش عقاید از مسلمانان مصادره شده بود، کمک خواست. او در ادامه تلاش هایش برای آموختن زبان عربی، در سال ۹۵۰ ق/ ۱۵۳۸م، یک اسیر مسلمان خریداری کرد. این کشیش هلندی در نامه های خود، از این اسیر مسلمان با نام خروفیوس یعنی ابن خروفی (Charufius meus) یاد می کرد. بعدها معلوم شد که خروفیوس همان دانشمند تونس، محمد بن خروف است^(۳۴) که به اسارت اسپانیایی ها در آمده بود.

کشیش نیکولاس کلنارد نزد اسیر خود کتاب المفصل اثر محمود بن عمر زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ ق/را خواند. در سال ۱۵۴۰م، سلطان مغرب برای این اسیر فدییه داد تا آزاد شود. کشیش کلنارد این فدییه را به شرط اینکه با اسیرش به مغرب برود پذیرفت. بنابراین، کشیش به همراه ابن خروفی به سبته^(۳۵) و فاس رفت تا به کمک او زبان عربی خود را کامل کند. اما علمای مغرب فتوای تحریم آموزش این کشیش را دادند و او ناچار به اندلس بازگشت و در سال ۱۵۴۲م^(۳۶)، ناگهان وفات یافت. شاید کلنارد را بتوان اولین شرق شناس هلندی به حساب آورد، اما جز اشاره هایی گذرا در سرگذشت نامه ها، چیزی عاید این کشیش هلندی نشده است.^(۳۷)

سرانجام باید افزود که تمام چاپخانه های اروپایی که دارای حروف عربی بودند انجیل یا نامه هایی از انجیل را به عربی ترجمه و منتشر کردند.

ایتالیا

تلاش واتیکان برای الحاق مارونیان^(۳۸) ارتدوکس، نسطوریان^(۳۹)، یعقوبیان^(۴۰)، قبطی ها^(۴۱) و بقیه کلیساهای شرقی به کرسی رم و عدم الحاق آنان به کلیساهای پروتستان، به

۲۵. Raymond Lulle: نویسنده و کیمیاگر کاتالونی معروف به خوشبخت؛ اثر وی به نام آرماتگنا (Arsmagna) یکی از مهم ترین و جالب ترین کتاب های دوره اسکولاستیک است.

۲۶. دومینیکیان، نام فرقه ای کاتولیکی است که در سال ۱۲۱۶م، به وسیله قدیس دومینیک تأسیس گردید. نام رسمی آن «فرقه واعظان» است. این فرقه از گروه واعظانی به وجود آمد که در جنوب فرانسه تبلیغ می کردند؛ امروز یکی از مهم ترین فرقه های کلیسای کاتولیک به شمار می رود. این فرقه در تفتیش عقاید نقش مؤثری ایفا کرده اند.

۲۷. فرانسیسیان، نام فرقه ای از کلیسای کاتولیک است که در سال ۱۲۰۹م، توسط قدیس فرانسیس تأسیس شد. در سال ۱۲۱۰م، به تأیید پاپ اینوکیوس سوم رسید و در سال ۱۲۲۳م، پاپ هونوریوس سوم آن را رسماً تصویب کرد.

۲۸. در ماخذ اسلامی اشیبیه است. شهر مهم اندلس در جنوب غربی اسپانیا.

۲۹. سبته: شهری مشهور از شهرهای مرکزی بلاد مغرب است.

۳۰. مارونیان نام جامعه مسیحی عربی زبان وابسته به کلیسای رومی لبنان و منسوب به مار مارون است.

۳۱. نسطوریان به پیروان مذهب نسطوری، فرقه ای مسیحی که مؤسس آن نسطوریوس، بطرک قسطنطنیه در قرن ۵م بوده است. در سال ۴۲۸م، نسطوریوس کشیش انطاکیه توسط امپراتور ثئودوسیوس دوم به بطرکی قسطنطنیه برگزیده شد.

۳۲. یعاقبه پیروان کلیسای مسیحی سوریه و عراق و هند هستند که کاتولیک های رومی و ارتدوکس ها به چشم بدبینی به آنان نگاه می کردند. این کلیسا در قرن ۶م، توسط یعقوب برادیا تأسیس شد. وضع آن شبیه وضع کلیسای قبطی یعنی کلیسای مونوفیزیتسیم مصر بود. یعاقبه قرنها زیر تسلط مسلمان ها بودند. بیشتر آنها در عراق زندگی می کنند. مقرر روحانی بزرگ ایشان (بطرک انطاکیه) در حمص و زبان آنها سریانی است.

۳۳. قبطی ها به مسیحیان مصری پیروی مذهب وحدت طبیعت گفته می شود این نام مأخوذ از قبط است که نام یکی از سلاطین مصر قدیم و از اعقاب نوح بوده است. اما امروزه، اغلب معتقدند که کلمه قبط مأخوذ از کلمه یونانی آیکیتوس (Agyptos) یعنی مصری است.



صفحه عنوان کتاب البستان آمده که این کتاب در سال ۱۵۸۵م، در رم و توسط جیوانی باتیستا رایموندی به چاپ رسیده است. علاوه بر این چاپ، چاپ دیگری از این کتاب وجود دارد که مربوط به سال ۱۵۸۴م، می باشد.

سمعان سمعانی (Simon Assemani) در فهرست کتابخانه نانی در شهر پادوا^{۳۴} که در سال ۱۷۸۷م، منتشر شده بود، به چاپ سال ۱۵۸۴م، کتاب البستان اشاره ای داشته است. در این چاپ از سلامش بن کندغدی صالحی به عنوان مؤلف نام برده شده و محل نشر آن در شهر رم ذکر گردیده است. این کتاب توسط یک چاپخانه دار فرانسوی به نام روبرت گرانیون (Roberti Granion) در چاپخانه دومینیکوس پاسا به چاپ رسیده بود. چاپخانه ای که به داشتن حروف زیبای عربی شهرت داشته است.^(۳۷)

آنچه مسلم است، رایموندی چاپخانه دومینیکوس پاسا را همراه با حروف عربی آن در سال ۱۵۸۴م، خریده بود. این حروف زیبا توسط چاپخانه دار فرانسوی روبر گرانیون طراحی شده بود. رایموندی برای جلب گرانیون به چاپخانه خود، به هر تلاشی دست زد تا سرانجام توانست از بعد مادی رضایت او را برای همکاری در چاپخانه مدیچی به دست آورد. این بود که در سال بعد یعنی در سال ۱۵۸۵م، متن کتاب مذکور را یک بار دیگر با همان حروف گرانیون، اما این بار با تغییر نام نویسنده، و البته بنابه درخواست رایموندی، به چاپ رسانید.

گرانیون توانست حروف عربی چاپخانه مدیچی را بسازد. با ساخت این حروف، چاپخانه در سال ۱۵۸۶م، آغاز به کار کرد. و به عنوان نخستین محصول بزرگ خود، کتاب القانون فی الطب از حسین عبدالله ابن سینا [۴۲۸ق] با این عنوان عربی: القانون فی الطب لأبوعلی الشیخ الرئیس ابن سینا، مع بعض تألیفه و هو علم المنطق و علم الطبیعی و علم الکلام^{۳۵} را در سال ۱۵۹۳م در رم به چاپ رساند. این در حالی بود که این چاپخانه در سال ۱۵۹۱م، چهار هزار نسخه از ترجمه عربی انجیل را منتشر کرده بود که در آن زمان، رقم چشمگیری به شمار می آمد.

تأسیس چاپخانه دانشکده ژزونیست^{۳۳} (Tipografia del Collegio Romano) در رم منجر گردید. این چاپخانه با سرمایه شخصی پاپ پیوس چهارم^{۳۵} تأسیس شد.

پاپ اجازة ساخت چاپخانه را به یک یهودی تازه مسیحی شده به نام یوحنا باتیستا یانو واگذار کرد و در سال ۱۵۶۶م، اولین کتاب به زبان عربی با عنوان: اعتقاد الامانة الارثوذكسية كنيسة روما، تألیف یا ترجمه یانو از این چاپخانه منتشر شد. در ادامه این تلاش ها چاپخانه مدیچی در رم آغاز به کار کرد. این چاپخانه پس از قراردادی آغاز به کار کرد که در سال ۱۵۸۴م، میان کلیسای مارونی و واتیکان بر سر وحدت این دو کلیسا به سرپرستی پاپ رم منعقد گردید.

در این سال پاپ گرگوریوس سیزدهم^{۳۶}، دستور ساخت دانشکده مارونی در رم را صادر کرد تا اینکه مسیحیان اروپایی، زبان های شرقی و مسیحیان شرقی، زبان های اروپایی را آموزش ببینند. مارونیان بیش از سایرین با تعصب و علاقه شدیدی به این دانشکده پیوستند و بیشترین کمک را در زمینه آموزش مبلغان و ترجمه کتاب های تبلیغی به واتیکان ارائه دادند.

در همان زمان، پاپ یکی از کارگزاران خود را به نام کاردینال فرناندو دو مدیچی^{۳۷} به عنوان مدیر و مسئول چاپخانه انتخاب کرد و چاپخانه را به نام او نام گذاری کرد. مدیچی برای شروع کار، یک شرق شناس ایتالیایی به نام جیوانی باتیستا رایموندی^{۳۸} را انتخاب کرد. رایموندی که قبلاً از شرق دیدن کرده و نسخه های خطی متعددی را جمع آوری کرده و به رم انتقال داده بود، در سال ۱۵۸۴م، اولین کتاب عربی خود را تحت عنوان: الصلوات السبع (Liber VII Precationum) منتشر کرد. پس از آن در سال ۱۵۸۵م، کتاب البستان فی عجائب الارض و البلدان اثر ابن العباس احمد بن خلیل صالحی را به چاپ رساند. کارل بروکلمان (Carl Brockelmann) این کتاب را به یکی از رجال قرن دهم هجری به نام سلامش بن کندغدی صالحی نسبت می دهد.^(۳۹) در

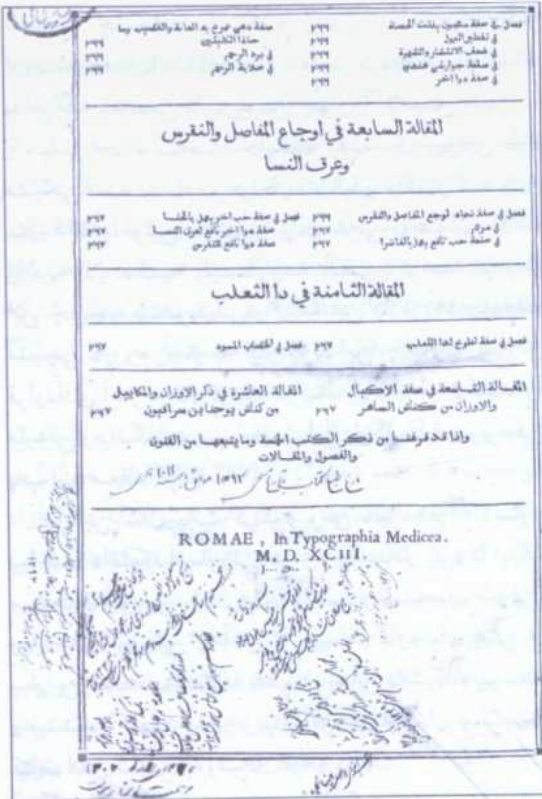
۳۴. Jezuit: فرقه ای از کلیسای کاتولیک رومی. اعضای آن یسوعی یا ژزونیست خوانده می شوند. قدیس ایگناتیوس لویولایی و شش تن از دوستان او انجمن یسوع را بنیاد نهادند.

۳۵. پاپ Pius IV از طرفداران اصلاحات کاتولیکی بود. دوره او از سال ۱۵۵۹-۱۵۶۵م، و انتسابش به خاندان مدیچی مورد تردید است. ۳۶. نام اصلی این پاپ او گوئیونو نیکونیناتی (Buoncompagni) بود، شهرتش به سبب اصلاح تقویم یولیانی است که به نام وی به تقویم گریگوری معروف است.

۳۷. فرناندو دوک بزرگ توسکانا بود. به دستور این کاردینال، نخستین چاپخانه عربی در ایتالیای مرکزی تأسیس گردید. ۳۸. Giovanni Battista Raimondi: جیوانی ایتالیایی است که ریاست نخستین چاپخانه عربی در شهر رم را به عهده داشت. چاپخانه اش در سال ۱۵۸۶م، آغاز به کار کرد و به عنوان نخستین محصول بزرگ خود، کتاب القانون ابن سینا را به چاپ رساند.

۳۹. Padua: شهری است در ایتالیا، به سبب دانشگاهش که در سال ۱۲۲۲م، تأسیس شده بود، شهرت فراوانی یافت. ۴۰. عنوان لاتینی کتاب به قرار زیر است:

"Liber Canonis de Medicina Cuius auctore est abu Ali al-scheich al-Reis ibn sina; accedunt aliquot ejus opuscula logica, Physica, Metaphysica".



صفحه آخر كتاب «القانون في الطب»، رم. ۱۵۹۲ م.



صفحه عنوان كتاب «القانون في الطب»، رم. ۱۵۹۲ م.



مديچی كتاب های الكافية از عثمان بن عمر بن حاجب، الاجرومية از محمد بن محمد بن مجاهد بن آجروم و مبادئ اللغة العربية از جيوانى با تيستا رايموندى را منتشر كرد.^(۴۱) در سال ۱۶۱۰ م، در اين چاپخانه كتاب التصريف از عبدالوهاب بن ابراهيم زنجاني منتشر شد. رايموندى، خود مقدمه كتاب التصريف را نوشته و در آن تأكيد مى كند كه چون تقريباً كل جهان از زبان عربى بهره مى جويد، بنابراین برای اهداف تبليغى ضرورت آموزش زبان عربى احساس مى شود. از طرفى، از آنجا كه هدف اصلى تأسيس چاپخانه مديجى، تبليغ مذهب كاتوليك در ميان مسيحيان شرق بود تا از خطر اسلام در امان باشند، لذا پاپ كلمان هشتم^{۴۲} دستور چاپ مجدد كتاب اعتقاد الامانة الارثوذكسية... را صادر كرد. اين كتاب يك بار ديگر در سال ۱۵۹۵ م،

در اين چاپخانه و در همان سال ترجمه عربى انجيل همراه با متن لاتينى آن يك بار ديگر چاپ شد. اين انجيل را يك مارونى لبنانى به نام جبرائيل صهيونى^{۴۳} ترجمه کرده بود. يك سال بعد از آن يعنى در ۱۵۹۲ م، چاپخانه مديجى كتاب نزهة المشتاق فى اختراق الافاق از محمد ابن محمد شريف ادريسى (۴۹۳-۵۵۸ ق) را با نظارت دو مارونى به نام های كشيى جبرائيل صهيونى و يوحنا حصرونى منتشر كرد. اين دو مارونى كتاب ياد شده را به لاتينى ترجمه كردند و در سال ۱۶۱۹ م، در شهر پاریس، آن را با عنوان جغرافياى نوبه^{۴۴} (Geographia Nubensis) منتشر كردند.^(۴۸)

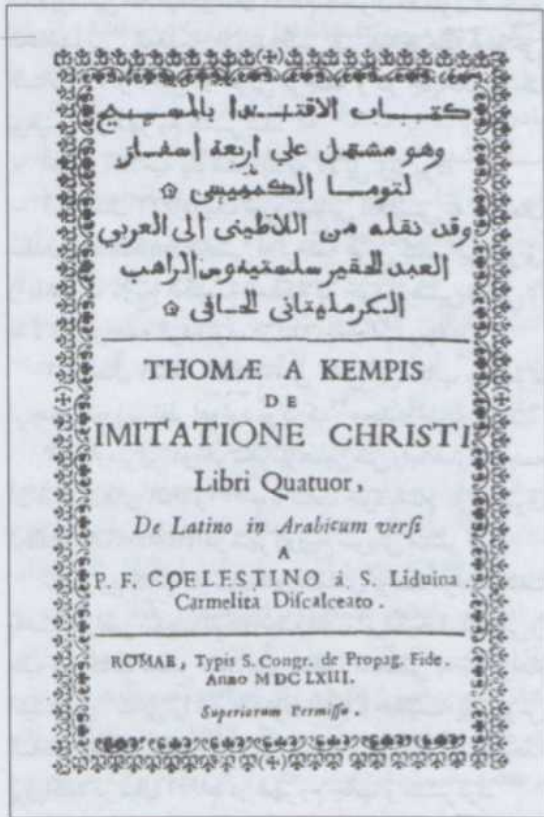
از آنجا كه دانشكده های مارونى و ژرژويت در زمينه آموزش دستور زبان عربى به مبلغان، به منابعى به عنوان ابزار كار نياز داشتند، بنابراین در سال ۱۵۹۲ م، چاپخانه

۴۱. از روحانيون مارونى و از نخستين فارغ التحصيلان دانشكده مارونى رم بود و در كار نگارش كتاب مقدس چند زبانه همكارى داشت. ترجمه عربى و سريانى اين كتاب برعهده او بود. علاوه بر اين چند كتاب و جزوه منتشر كرد.

۴۲. نام كامل آن جغرافياى نوبه، و وصف كامل جهان بنابر هفت اقليم آن. اين كتاب ترجمه اى است از كتاب نزهة المشتاق فى ذكر الامصار و الأقطار و البلدان و الجزر و المدائن و الافاق كتاب معروف شريف ادريسى است. كلمه نوبه، نام منطقه اى در آفريقا است كه در امتداد كرانه رود نيل از اسوان تا دنقله (در سودان) كشيده شده و شامل دو بخش عليا و سفلى است. بخش عليا شامل مناطق واقع در سودان و بخش سفلى شامل منطقه اى در مصر ميان اسوان و وادى جلفاست.

۴۳. كلمان نام چهارده تن از پاپ هاست و دوره پاپ كلمان هشتم از ۱۵۹۲ تا ۱۶۰۵ م، بوده.

توماس آ. کمپیس (Thomas A. Kempis) نیز کتابی را تحت عنوان: تقلید مسیح (Imitatione Christi) نوشت که بعدها یک هلندی به نام پتروس گلیوس (Petrus Golius) آن را به عربی ترجمه و به نام الاقتداء بالمسیح در چاپخانه پروپاگاندا (Propagand) در رم در سال ۱۶۶۳م، منتشر کرد.



■ صفحه عنوان کتاب «الاقتداء بالمسیح» ر.م. ۱۶۶۳م.

به نقل از مترجم عربی له این کتاب نه تنها به نفع مسیحیان شرق بلکه به نفع مسلمانان نیز هست.^(۵۱) همین کتاب یک بار دیگر در سال ۱۷۳۴م، در رم و نیز در سال ۱۷۳۸م، در شهر هاله آلمان منتشر شده است.

پتروس گلیوس، برادر شرق شناس هلندی، یعقوب گلیوس،^{۴۴} مذهب کاتولیک را پذیرفت و به راهبان فقیر کرملی^{۴۵} پیوست و کارهای تبلیغی خود را در حلب و هند دنبال کرد. هدف واتیکان تنها این نبود که گمراهان را هدایت کند

چاپخانه مدیچی چاپ و منتشر شد. در پایان این چاپ چنین آمده: «این کتاب در امپراتوری رم غربی در سال ۱۵۹۵ [م] و به دستور پاپ کلمان هشتم توسط کاردینال مدیچی، دوک فلورانس به چاپ رسید».^(۵۰) البته، چاپخانه دانشکده ژزوئیت این کتاب را قبلاً در سال ۱۵۶۶م، منتشر کرده بود. مترجم آن یک یهودی تازه مسیحی شده به نام ایلیا لیویتا بود که بعدها به یوحنا باتیستا لیانو شهرت یافت. اعتقاد الامانة الارثوذكسية اولین کتابی نبود که برای مسیحیان شرق نوشته می شد. پیش از آن، در سال ۱۵۶۳م، یعنی پیش از تأسیس چاپخانه مدیچی، کاردینال پالرمین کتابی را با عنوان: دین مسیحیت (Doctrina Christiana) به زبان ایتالیایی نوشت که برای مسیحیان شرق قابل فهم نبود. دو مارونی به نام های نصرالله شلق عاقوری^{۴۶} و کشیش جبرائیل صهیونی پس از آموزش هایی که در دانشکده مارونی رم دیدند، کتاب پالرمین را به زبان های لاتینی و عربی ترجمه کردند. این کتاب در شهر رم در سالهای ۱۶۱۳، ۱۶۳۳، ۱۶۴۲ و ۱۶۶۸م، تحت عنوان التعلیم المسیحی منتشر شد و به برخی زبان های شرقی نیز ترجمه شده است.

در سال ۱۶۱۴م، این دو مارونی انجیل را ترجمه کردند و یک چاپخانه دار فرانسوی به نام فرانسوا ساواری دو برو (Francois savary de Brèves) آن را در رم منتشر کرد.

جبرائیل صهیونی و یوحنا حصرونی نیز کتابی را تحت عنوان: فی الصنعة النحویة با حروف [چاپخانه] ساواری دو برو در پاریس در سال ۱۶۱۶م، منتشر کردند. دوست این دو مارونی شخصی به نام یوحنا حصرونی بود که متن کامل کتاب دین مسیحیت نوشته کاردینال پالرمین را ترجمه کرد که در سالهای ۱۶۲۷، ۱۶۳۵ و ۱۶۶۸م، منتشر شد.

همچنین، کتاب پالرمین به زبان ارمنی ترجمه و در رم، پاریس و آمستردام به ترتیب در سال های ۱۶۳۰، ۱۶۳۳ و ۱۶۶۷م، منتشر شد.

کشیش های کاتولیک همچنان پی در پی کتاب هایی برای هدایت گمراهان منتشر می کردند. کاردینال ریشلیو^{۴۵} در پاریس در سال ۱۶۴۰م، کتابی را تحت عنوان تعلیم المسیحی منتشر کرد.

۴۴. در برخی منابع ویکتور شلق کوراتی نام بردند.

۴۵. شهرت آرمان ژان دوپلسی (Arman Jan de Plesi) ملقب به دوک دو ریشلیو و معروف به کاردینال ریشلیو. کشیش و سیاستمدار فرانسوی، در ۱۶۰۷م، اسقف، در ۱۶۱۶م، به وزارت رسید، در ۱۶۲۲م، کاردینال و در ۱۶۲۴م، وزیر اعظم شد.

۴۶. Jacobius Golius، شرق شناسی هلندی که کتاب عجائب المقدور این عرشاه را منتشر کرد.

۴۷. کرملیان Carmelites، فرقه ای از راهبان فقیر بر کوه کرمل فلسطین می زیستند. قدیس برتولد (Berthold) سرپرستی آنان را به عهده داشت. ظاهراً اروپایی بودند. در سال ۱۲۳۸م، به قبرس و از آنجا به اروپای غربی مهاجرت کردند. روحانی ساپین ستاک، روحانی انگلیسی، آنها را به فرقه ای از فرایارها مانند دومینیکیان و فرانسیسیان مبدل ساخت و دیرهایی در کمبریج، آکسفورد، پاریس و بولونیا بنا نهاد.



بلکه رسوا کردن رؤسای کلیساهایی را که از پیوستن به کرسی مقدس اکراه داشتند، مد نظر داشت. آنان برای دستیابی به این هدف، اعلامیه‌های انجمن‌های مذهبی را به زبان عربی بخش می‌کردند. یکی از این نمونه‌ها اعلامیه‌ای بود که بر ضد روحانی مصری سعید بن بطریق معروف به او تاخوس منتشر شده بود. این اعلامیه در سال ۱۶۹۴م، با عنوان مضمون المجمع الخلقیدونی^{۴۸} المقدس الارندوکسی فی علة هرطقة او طاحی المنافق^(۵۱)، از لاتین به عربی ترجمه و در چاپخانه یوحنا بوهیمی در شهر رم منتشر شد.

انتشار اعلامیه یاد شده بنا به دلایل زیر بود:

۱. در سال ۱۶۴۲م، یک شرق‌شناس انگلیسی به نام جان سلدن (Jan Selden) بخشی از ترجمه عربی کتاب ابن بطریق را با عنوان: تاریخ الكنيسة الملكية که خود او همین بخش را به لاتین ترجمه کرده بود، در لندن به چاپ رساند.
 ۲. در سال ۱۶۵۸-۱۶۵۹م، متن کامل این کتاب به همراه ترجمه آن، زیر نظر ادوارد پوکوک^{۴۹} مجدداً انتشار یافت.
 ۳. علاوه بر این دو، هونتجر نیز همین متن را به همراه ترجمه آن در سال‌های ۱۶۵۱ و ۱۶۶۰م، با کتاب خود به نام تاریخ شرق (Historia Orientalis) در شهر زوریخ سویس منتشر کرد.
- انتشار این کتاب در سال‌های متمادی توسط افراد مختلف باعث اعتراض شدید واتیکان شد و آنان را برانگیخت تا کتابی را علیه این کتاب منتشر کنند. بدین منظور شخصی به نام آبراهام اکیلنسیس^{۵۰} کتابی را تحت عنوان دفاع از حقایق یونینوس اسقف اعظم اسکندریه و ردی بر سلدن و هونتجر^{۵۱} در چاپخانه پرویاگاندا در سال ۱۶۶۱م، در شهر رم چاپ و منتشر کرد.^(۵۲)
- برای تبلیغ مسیحیت تنها به نشر منابعی که به آموزش زبان عربی اختصاص داشت اکتفا نشده بود، بلکه علاوه بر آن منابعی درباره آموزش زبان‌های دیگر مانند قبطی^{۵۲}، سریانی، عبری، حبشی، گرجی، ارمنی، یونانی، براهویی^{۵۳}، ملیباری، تبتی و غیره منتشر کرده بودند که این خود نشانگر فعالیت وسیع تبلیغی کلیساهای کاتولیک در رم و دیگر کشورهای اروپایی بوده است.
- بررسی تاریخ استشرق در اروپا نشانگر این حقیقت

است که مسیحیان لبنانی از زمان الحاق مارونیان به واتیکان تا قرن حاضر نقش بسیار مهمی در تاریخ استشرق داشته‌اند. آنها علاقه و ارتباط روحی عمیقی با واتیکان داشتند و این پیوند روحی، تأثیر به‌سزایی در این زمینه داشته است. به همین جهت میان آنها و شرق‌شناسان و مبلغان اروپایی، به‌حدی حس همکاری پدید آمد که بعضی از آنان در مراکز استشرق اروپایی با شرق‌شناسان کاتولیک فعالیت می‌کردند. بنابراین، بی‌اساس نبود که یک شرق‌شناس هلندی به نام توماس ارپینیوس^{۵۴}، چاپ اول کتاب خود را به نام مبادی اللغة العربیة و همچنین چاپ‌های بعدی آن را که در سال ۱۶۱۳م، در شهر لیدن منتشر شده بود، به دو مارونی به نام‌های جبرائیل صهیونی و یوحنا حصرونی تقدیم کرد.



توماس ارپینیوس. ۱۵۸۴-۱۶۲۴ م. پایه‌گذار چاپخانه بریل در لیدن.

۴۸. خالکدون یا خلکدون Chalcedon؛ در مآخذ اسلامی خلقیدونا، شهر قدیم بیتینیا، آسیای صغیر، کنار یوسفور مقابل شهر بیزانس (استانبول کنونی).
 ۴۹. Edward pococke؛ شرق‌شناسی انگلیسی. مانند پدرش کشیش بود. او اولین کسی است که آموزش زبان عربی در آکسفورد را به عهده گرفت.
 ۵۰. Abraham Echellensis؛ ابراهیم حقلانی. از روحانیون مارونی لبنان در اروپا که در زمینه نشر کتب شرقی فعالیت داشت.
 ۵۱. عنوان لاتین این کتاب عبارت است از: Eutychius Patriarcha Alexanarinus Vindi؛ نویسنده در این کتاب به دفاع از آیین کاتولیک در برابر پروتستانیسیم و به ویژه برضد نظریات سلدن درباره مقام پاپ و قدرت اسقفان به قلم فرسایی پرداخت و در سال‌های ۱۶۶۰-۱۶۶۱م، این کتاب را در رم به چاپ رساند.
 ۵۲. زبان قبطی زبان قدیم مصریان است که در عهد فراغت رواج داشت. پس از فتح اسکندر، زبان یونانی رسمیت یافت ولی عامه مردم و روستاییان زبان قدیم را حفظ کردند.
 ۵۳. زبان براهویی Brahui؛ شعبه‌ای از زبان‌های دراویدی شبه جزیره هندوستان است.
 ۵۴. Thomas Erpenius (Van Erpe)؛ خاورشناس هلندی، نام وی به هلندی فان ارپه است. او پایه‌گذار اولیه چاپخانه‌ای است که بعدها به چاپخانه بریل در شهر لیدن معروف گردید.

نشان دهد این چاپ از قرآن، واقعاً به بازارهای عربی و ترکی رسیده و یا اینکه اصلاً از ونیز خارج نشده است، در دست نیست.

شواهد و قراین نشان می‌دهند که روحانیان مسیحی به متون عربی اهمیت فراوانی می‌دادند و جای تعجب است که جز نسخه موجود در دیر فرانسیسیان، نسخه دیگری در هیچ کتابخانه‌ای در اروپا دیده نشده است. آیا نمی‌بایست نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایتیکان یا پادوا یا پاریس وجود می‌داشت؟ از طرف دیگر اکنون مسلم شده است که چاپ قرآن به هر زبان، در رأس فهرست کتاب‌های ممنوعه بوده است. انجمن مذهبی (Sacra Congregatio) نشر قرآن کریم یا ترجمه آن را به هر زبانی که باشد، ممنوع کرده بود. کلیسا حتی از انتشار قرآنی که روبرت اف. گیتون برای رئیس دیر کلونی^{۵۶} فرانسه به لاتینی ترجمه کرده بود، جلوگیری کرد.^(۵۷)

این قرآن را تئودور بیبلیاندر (بوخمان)^{۵۷} اولین بار در شهر بازل سویس در سال ۱۵۴۳م، و بار دوم در شهر زوریخ^(۵۸) در سال ۱۵۵۰م، چاپ کرده بود. با این وجود در سال ۹۹۶ ق/ ۱۵۸۷م، دو بازرگان ایتالیایی از سلطان مراد سوم، پادشاه عثمانی، برای صدور کالا و کتاب به بازارهای عثمانی مجوز گرفتند. این مجوز در آخر کتاب تحریر اصول اقلیدس از خواجه نصیرالدین طوسی که در چاپخانه مدیچی در سال ۱۵۹۴م، به چاپ رسیده بود، آمده است. این اولین متن ترکی با حروف عربی بود که در اروپا به چاپ می‌رسید.

ارپینیوس با همکاری شخص دیگری به نام کودیوس برای یکی از چاپ‌های کتاب مبادی اللغة العربیة که در سال ۱۶۲۰م، در پاریس به چاپ رسید، فهرستی شامل عناوین کتاب‌های تحقیقی در زمینه زبان عربی تا هنگام نگارش کتاب فراهم آورد و به کتاب خود ضمیمه کرد. از جمله این کتاب‌ها، در این فهرست از قرآن کریم نام برده شده که در ونیز به چاپ رسید و تاریخ چاپ آن، حدود سال ۱۵۳۰م، ذکر شده است.

ارپینیوس در فهرست خود از ژان - باتیست دورسی^(۵۹) و افراد دیگری که تحقیقاتی درباره این چاپ قرآن کریم انجام داده بودند، ذکری به میان آورده است.^(۶۰) به تازگی، تحقیقی از دکتر یحیی ساعتی درباره قرآن به چاپ رسیده است. همچنین قرآن چاپ هامبورگ (که در سال ۱۶۹۴م، توسط آبراهام هنکلیمان (A. Hinckelmann) به چاپ رسید) منتشر شده است. این نویسنده از خانم آنجلا نیوو (Angela Nuovo) نقل می‌کند که در یک مجله ایتالیایی با نام La Bibliofilia، قرآن چاپ ونیز را به سال‌های ۱۵۳۷ و ۱۵۳۸م، نسبت داده‌اند.^(۶۱) چاپ این قرآن با هدفی تجاری انجام شده بود. قصد آنها صدور این کتاب به بازارهای عربی و ترکی بود و به ویژه برای مسلمانانی که هنوز دستگاه چاپ نداشتند. دکتر ساعتی اضافه می‌کند "به عقیده من کیفیت نامطلوب چاپ، داشتن اشتباهات فراوان و رعایت نکردن فاصله‌ها، عواملی بوده که مسلمانان را از خرید این نسخه بر حذر می‌داشته است." با این اوصاف، سرنوشت این نسخه هنوز در دایره ابهام است، زیرا هیچ‌گونه سند تاریخی که

۵۵. Jean-Baptiste de Rosi: باستان‌شناس ایتالیایی و دانشمند کتیبه‌شناس.

۵۶. پی‌یرلو ون‌رابل / Pierre le Ven-erable: روحانی و متکلم مسیحی فرانسوی، ملقب به ارجمند، به ترغیب خانواده‌اش به زندگی روحانی در صومعه‌ای وابسته به دیر کلونی وارد شد و در سن ۳۰ سالگی، به ریاست این دیر نایل آمد.

۵۷. Theodor Bibliander (Buchmann): ناشر سوئیسی نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم، کارشناس زبان‌های سامی و به ویژه عبری.



هذه صورة امر بادشاه اسلام السلطان ابن السلطان السلطان مراد خارج

مغاضب الامراء الكرام مراجع الكبراء الفخام اولو القدر والاحترام
اختصين بمزيد عناية الملك العلام مماك محروسه واقع اولان ستجاق
بكري وقبول انلردام عزم ومغاضب القضاة والحكام معادن الفضائل
والكلام ذكر اولفان يرلرده اولان قاضيلر زيد فضلهم توقيع وبيع هميون
واصل اولتجاق معلوم اولاكه. مماك محروسه تجارت ايدن افرنج
تاجر لرندن دارندكان فرمان هميون برانتمون واوراسبولد بانديني
نام بازم كانلر دركاه معلامه كلوب ولايت فرنكستاندن تجارت ايجون
بعض متاع عربي وفارسي وتوركي باصها بعض معتبر كتابلر ورساله لر
كنوروب مماك محروسه كندو حاللرنده بيع وشرا ايدر لر ايكن
بعض كسسه لر يولده وايزده واسكله ومعبر لرده فضولي يوكرين بيقوب
دنكلرين بوزوب ايجندن بكنند وكري اقشه وسائر امتعه قسمي اجه
سوز وجزيي بها ايله جبرالوب وسزده عربي وفارسي كتابلر نبلر ديو
تجارت ايجون كنور دو وكري جمع كتابلرني اللرنندن الوب بها سرب
وير محبوب وكندولرك ووكبللرينك وادملرينك بيع وتجار تلرينه متاع
اولد قلرين بلدروب من بعد امن وامان اوزره كلوب كيدوب كندو
حاللرنده تجارت اتدوكلرنده برفره دخل المبوب منت ومجانا
متاعلري المبوب وده بكري بوزلر محبوب منع اولتمق باينده حكم هميونم
طلب اتدو وكري اجلدن بيوردم كه حكم شريفه هر قنكر ك تحت
حكومتنده داخل اولور لر ايسه يولده وايزده ومنازل ومراجلده
واسكلرر ومعبرده كندو حاللرنده امن وامان اوزره بيع وشرا وتجارت
ايدر لر كين خارجدن برفردي متاعلرينه دخل اتدو محبوب وصاحبك
رضائي اولد ين جبرالوين اول مقوله كتابلرين غضب
اتدو محبوب هر نه الور لر ايسه حسن ومخاليله بيع ايدن لردن بتمام
ذكر بها لريله الدروب اجه سوز وياكسوك بها ايله جزويدن وكبلدن
برنسنه لرين الدو محبوب من بعد مذكوران بازر كانلره ووكبللرينه
وادملرينه شرع شريفه وعهد نامه هميونه مخالف اصلا وقطعا كسسه دخل
وتجاوز اتدو مبه سز ممنوع اولمبوب عناد ومخالفت ايلينلري اسما
لريله يازوب عرض ايلبه سز بو خصوص ايجون تكرار شكايه
اتدو مبه سز شويله بلسز وبعد اليوم بو حكم شريفه اللرنده ابقا
ايدوب علامت شريفه اعتماد قلا سز ✽ تحريرا في اوائل ذي الحج سنة
ست وتسعين وتسعمائة ✽ محروسه قسطنطينية ✽

صفحه آخر «تحرير اصول القليدس»، صورت فرمان سلطان مراد سوم، پادشاه عثمانی، به تاریخ ۹۹۶ ق/ ۱۵۸۷ م، مبنی بر اجازه ورود کتاب از اروپا به قلمرو حکومت عثمانی. این چاپ از کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگاهداری می‌شود.

تلاش واتیکان برای جذب مسیحیان به مذهب کاتولیک که در قلمرو امپراتوری عثمانی، به ویژه سوریه و لبنان اقامت داشتند، سبب شد اولین کتاب در ایتالیا به زبان عربی و با حروف متحرک منتشر گردد. این کتاب که صلاة السواعی (Canonicae Septem horae) نام دارد، در سال ۱۵۱۴م، توسط یکی از اهالی ونیز به نام گرگوریو دوگرگوری (Gregorio de Gregorii) و بر اساس آیین و آداب کلیسای پادشاهی مصر در شهر فانو در ایتالیا که در آن زمان تحت سلطه واتیکان بود، چاپ و منتشر شد.

هر چند بعضی از مورخان بر این عقیده اند که کتاب مذکور پس از پنجمین شورای لاتران^{۵۸} در سال ۱۵۱۲م^(۵۹)، و به همت و سرمایه شخصی پاپ لئون دهم^{۶۰} در جمهوری فینیکیه^{۶۱} چاپ شده بود. لئون دهم

در تلاش برای الحاق کلیسای قبطی به کرسی رم، به چاپ و انتشار این کتاب همت گماشت.

پس از کتاب صلاة السواعی، چاپخانه پتروس پاولوس (Pietros Paolos) در سال ۱۵۱۶م، کتابی به زبان های عبری، یونانی، عربی، و کلدانی از اوگستینو یوستینیانی (Agostino Giustiniani) تحت عنوان کتاب المزامیر در شهر جنوا منتشر کرد.

حروف این کتاب با وجود آنکه از کیفیت خوبی برخوردار نبود، اما از حروفی که در چاپ کتاب روجرسی (Rutger Spay) و همچنین دو کتاب گیوم پوستل^{۶۲} به کار رفته بود، کیفیت بهتری داشت. روجرسی در سال ۱۵۸۳م، کتابی را با عنوان رساله بولس^{۶۳} الرسول الی أهل غلاطیه^{۶۴} به شیوه قالب های چوبی در شهر هایدلبرگ منتشر کرد.^(۶۵)



۵۸. Lateran، نام شورایی که در سال های ۱۵۱۲ - ۱۵۱۷م، توسط بولیوس دوم و پس از وی لئون دهم به منظور مخالفت با کوشش لئون دوازدهم فرانسه در احیای نظریه شورایی (نظریه ای که به موجب آن پاپ ها تابع شوراهای جامعند) تأسیس گردید. شورا در این امر توفیق یافت و تقاضای نامه ۱۵۱۶م، بین پاپ و شاه فرانسه منعقد شد.

۵۹. پاپ لئون دهم، ژان دومدیسبی Leon X, Jean de Medicis. ۶۰. فینیکیه نام قدیم ناحیه ای در غرب آسیا که به صورت حاشیه باریکی در ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد. این حاشیه را در زمان های پیشین فینیکیه می نامیدند و اکنون به جای آن سوریه و لبنان قرار دارد.

۶۱. Guillaume Postel، خاورشناس پیش کسوت فرانسوی است.

۶۲. نامه بولس، نامه ای که بولس (بولس مقدس) به مردم غلاطیه نوشته بود. احتمال می رود که او در سال ۵۷ یا ۵۸م، این نامه را در غلاطیه نوشته باشد. او در این نامه غلاطیان را به سبب دوری از مسیح و از راستی، سخت توبیخ کرد و مدلل نمود که وی تعلیمات خود را از شخص مسیح دریافت کرده است.

۶۳. غلاطیه نامی است که در قدیم به قسمت شمالی آسیای صغیر اطلاق می شد. این ناحیه در جنوب شرقی بطنیه قرار دارد. مرکز آن آنکارا (آنقره) بود.

من اغوستينو بوستيانوس وجنوب من جمعت الخوات
 مواكبين اسقو في من نابجوا بالنما نيه المزمار
 ليابا البلي ليون العاشر موقدا

بصوي عرفنة كيف ان ذاعل لا تدك نجن كنا مستهلين
 لذالين اذنين من الحكمة مواخذة من الدين المقدس بخمسة
 لسان عيمن عبريه بغداديه يونانيا وعربيا ولا تينه كلها
 مشتمع في جسم واحدا مع صيارا سفيا من كلمة يلفضو هذا
 لهذا شعر بالحقيا كد خراجة قواني وفيه حاجة يعين
 كذبر لصعتنا ان للقدير مفيد حاجة ينفعه قد هذا
 الا التفسير والمفسر من حروف المقدس خيد في لزمان ماضي انسانة
 القسدين من اللدين المذكورين فوقه فعل بكمثل هذا المذعن
 من اذنه خلاو ذكر للبقين بعضهم وباللابل مكيين عند كتابة اذنه هومعا ملين
 ذكر من ذاول المدرسة ايين وقديين واليوناندين اذنه لارضو من تفسير واحدا
 معلو سنان اوريجانيه راجلون حديث اشتمعهم واحدوسهم سادس
 الامثل لاشن في ورقا واحدا كنوسنا التفسيرت الا في وحد الا لسان فار د
 A iii



صفحة ١ از كتاب «المزامير»، جنوا (إيطاليا)، ١٥١٦ م.



LINGVARVM
 duodecim characteri

BVS DIFFERENTIVM ALPHA.
 DIFFERENTIVM INTRODUCTIO AC LEGVM DI
 modus longè facillimus. Lingvarum
 nomina sequens proxime
 pagella offeret.

Guilielmi Pottelli Barentonij diligentia:

ⲀⲚⲚⲉⲛⲏⲓ ⲛⲉⲛⲏⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛ
 ⲀⲚⲚⲉⲛⲏⲓ ⲛⲉⲛⲏⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛ
 ⲀⲚⲚⲉⲛⲏⲓ ⲛⲉⲛⲏⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛ
 ⲀⲚⲚⲉⲛⲏⲓ ⲛⲉⲛⲏⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛ
 ⲀⲚⲚⲉⲛⲏⲓ ⲛⲉⲛⲏⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛⲉⲛ



ΑΤΥΧΗΤΟΝ ΣΗΙΟΤΗΤΗΓΑΥ ΠΟΛΕ.
 IN MAGNIS VOLVITIS SAT EST.

Cum privilegio.

Profans Parisi apud Dionysium Lefevre, sub portelli
 signo, vico Hilario, e regione diu Hilarij.

صفحة عنوان كتاب «أبجد اللغات»، باريس ١٥٢٨ م.

Abn Geis, een epitome van de *Almagest* en de *Historia Novi Orbis*, dat de
 kriegverrichtingen van de christenen en Saracenen vertaalt over een periode
 van zeventien jaar, naast andere manuscripten, zou op deze wijze een woorden
 boek en een spraakboek kunnen worden eenengesteld, die de hoelstenen zouden
 vormen voor de verdere grondige studie van het Arabisch die pas dan mogelijk
 zou worden. Deze versie zou pas jaren later, in 1608, in vervulling gaan, toen
 voor Christiaan de eerste leerstoel voor het Arabisch werd opgericht aan de
 universiteit van Heidelberg.

J. Pück, Die arabischen Studien in Europa, 1955, 46; W.M.C. Agnoll, Zeventien-
 tiende-eeuwse beoefeners van het Arabisch in Nederland, 30; R. Shtsings,
 Philologia Orientalis, II, 130.

5- Butcher Snow (16de eeuw)

5a- Spey, Nuyger. Epistola Pauli ad Galatas, item sex primaria Capita Christianae
 Religionis Arabice, Quibus ad Filipos adhaerctas est Compendium Grammaticae
 Arabicae. Heidelberg, [Jacob] Mylius, [1583]; UL, B77 D17.

// اله واحد // باسم الاب والابن والروح القدس

// غلاطيه // رساله بولس الرسول الي اهل

EPISTOLA PAULI AD GALATAS, ITEM SEX PRIMUM CAPITA CHRISTIANAE RELI-
 GIONIS ARABICE. QUIBUS AD FILIPPOS ADHAERCTAS EST COMPENDIUM GRAMMATI-
 CAE ARABICAE. // NUYGERE AUTORE SPEY // DONDIANO, ECCLESIAE SICHONVENSIS, // QUAE
 SUPRA HEYDELBERGUM EX GALLIS COL- // ligitur, Et ab Illustrissimo Principe Ludo-
 vico Electore/Palatino, etc. fovetur, Pastore. // ADIXITA QUOQUE EST INTERPRE-
 TATIO/Latina ad verbum (eodem Auctore) redita. // HANC ANTE HANC NUNQUAM TYPUS
 EDIT- // gata, nunc prima in unum studiose huius lin- // guae excubatur. //
 DAVIES. 7. // ولله واحد بولس رسول الله وحده
 // غلاطيه // رسالة بولس الرسول الي اهل غلاطيه
 Phillip. 2. // ولله واحد بولس رسول الله وحده
 // 215 x 161 mm. ; [88] bls. n.g. ; interin-
 talen ; Arabisch ; beechadig exemplaar (laatste bladzijde met colofon en
 druckermerk te onvolledig).

صفحة ١ از «رسالة بولس الرسول الي اهل غلاطيه»، هايدلبرك، ١٥٨٢ م.

این امر نشان دهنده آن است که چاپ عربی با حروف متحرک هنوز به آلمان نرسیده بود.

گیوم بوستل دو کتاب در شهر پاریس و به ترتیب در سال های ۱۵۳۸ و ۱۵۴۳م، با عناوین زیر منتشر کرد:

۱. حروف الفبای ۱۲ زبان مختلف... (Lingvarvm... duodecim characteri)

۲. دستور زبان عربی (Grammatica Arabica)

در سال ۱۵۳۹م، متن کتاب صلاة السواعی همراه با

کتاب مبادی اللغة الكلدانية (Introduction to chaldaicam)

(linguam) تسنو امبروجیو^{۶۴} در شهر پاوی در ایتالیا منتشر شد.

واتیکان فقط به هدایت گمراهان مسیحی که پیرو

کلیساهای شرق بودند، اکتفا نکرد، بلکه پارافراتر نهاد و به

مسیحی کردن مسلمانان که به اعتقاد آنها در تاریکی

زندگی می کردند و هنوز نور روشنائی انجیل بر آنها تابیده

بود، اهتمام ورزید. بر این مبنا، فعالیت تبلیغی آنها به سوی

مسیحی کردن مسلمانان جهت گرفت. در این راستا کتاب

تبلیغی عجیبی منتشر شد که گفتگویی است میان دو

روحانی با نام های شیخ سنان^{۶۵} و احمد العالم که در راه

بازگشت از خانه خدا صورت گرفته است و خواندن آن

برای هر مسلمانی اعم از مرد و زن مفید دانسته شده است.

گفته می شود که چاپخانه ژزوئیت این کتاب را در سال

۱۵۶۶م^(۶۱) یا ۱۵۸۱م^(۶۲)، در شهر رم منتشر کرده است. از

این کتاب دو نسخه به زبان لاتین با نام:

Tractatus per Interrogationes et re-inter Ahmad

Al-Tannusi et Senanum Doctorem Aegyptium

واتیکان موجود می باشد.^(۶۳)

کریستین فردریک اشنورر (Christia in Friedrich

Schnurrer)، معتقد است که این کتابچه بدون شک توسط

یک مسیحی نوشته شده است، زیرا زیانش عامیانه است و

هیچ اشاره ای به تاریخ یا مکان چاپ ندارد، اما آنچه مسلم

است در رم به چاپ رسیده است. این اعتقاد اشنورر ناشی از

آن است که حروف این کتاب با حروف کتاب اعتقاد

الامانة الارثوذكسية از توماس اریپینیوس^(۶۴) که در سال

۱۵۶۶م، در چاپخانه ژزوئیت در رم چاپ شده و الیانو آن را

ترجمه کرده، شباهت دارد.^(۶۵) بر این اساس، اشنورر احتمال

می دهد که کتاب گفتگوی دوروحانی نیز تألیف الیانو باشد.

البته، کار به همین جا خاتمه نیافت. بحث و جدل ها

بالا گرفت. ردیه ها و کتاب های اعتراض آمیز بی شماری

همچون سیلی ویرانگر به زبان های گوناگون منتشر می شد. این امر به ویژه پس از اینکه تئودور بیبلیاندر نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم را به دستوری یرلونه رابل رئیس دیرکلونی منتشر کرد، شدت بیشتری یافت. پس از اینکه آبراهام هنکلیمان متن عربی قرآن را با ردیه ای که بر آن نوشته بود منتشر کرد و نیز ردیه لودویکوماراجی (Ludovico Marracci) در سال ۱۶۹۸م، در شهر پادوا بر قرآن، این موج شدت بیشتری گرفت. ناگفته نماند که اشخاصی چون اشنورر، ادموند لامبرت (Edmond Lambrecht) تئودر زنکر (Theodor Zenker) و دیگران در کتاب های خود از این ردیه ها نام برده اند.

یوحنا باتیستا الیانو (ایلیا لیویتا) برادرزاده الیاس لیویتا

دو تن از یهودیان شرق بودند که بعدها به مسیحیت

گرویدند و به دانشکده ژزوئیت در رم ملحق شدند. الیانو

در سال ۱۵۵۱م، غسل تعمید یافت و سال بعد در زمرة

مسیحیان قرار گرفت، سپس از ۱۵۶۲ تا ۱۵۶۵م، در دانشکده

ژزوئیت به تدریس زبان عربی و عبری پرداخت. درباره

الیانو چنین آمده که در آن زمان به غیر از او کسی در رم

نبود که بتواند زبان نوشتاری عربی را بدان خوبی بفهمد و

صحبت کند.^(۶۶)

در سال ۱۵۶۶م، چاپخانه دانشکده ژزوئیت با هدفی کاملاً

تبلیغی، کتابی از الیانو با نام یک اعتراف (Fidei Confessio)

به زبان عربی منتشر کرد.^(۶۷) موضوع این کتاب داستان تغییر

مذهب الیانو از یهودیت به مسیحیت (کاتولیک) بوده است.

نگارنده این مقاله، احتمال می دهد گفتگوی بین شیخ سنان

و احمد العالم گفتگوی فرضی بوده و شخص ثالثی به عنوان

مصاحبه گر به هدف تبلیغ دین خود و سرکوب اسلام، نقش

این دو شخصیت اسلامی را بازی کرده و از زبان آنان سخنان

ناروایی را به اسلام و پیغمبر اسلام [ص] نسبت داده است. پس

از انتشار این گفتگو، شرق شناس انگلیسی ویلیام بدول

(William Bedwell) که پدر استشرق و مطالعات عربی نام

گرفته و مدتها آرزو داشته جهان اسلام را مسیحی کند، از

این موقعیت سود برد و در فاصله سال های ۱۶۱۵ و ۱۶۲۴م،

کتابی به زبان قدیم انگلیسی در سه جلد منتشر کرد. بدول

در صفحه عنوان کتاب خود چنین آورده: از قدیم الایام

این کتاب به زبان عربی نوشته شده بود و من آن را به

انگلیسی ترجمه کرده ام. ولی از متن عربی کتاب یاد

شده هیچ اثری در دست نیست و به نظر می رسد که

۶۴. Teseo Ambrogio، نام کشیش رسمی شهر پاوی در ایالت لمباردی در شمال ایتالیا است. وی از خاورشناسان پیش کسوت ایتالیایی به شمار می رفت و زبان های بسیاری را به خوبی می دانست.

۶۵. شیخ سنان معروف به شیخ الجبل، راشد الدین سنان بن سلمان، رئیس و داعی اسماعیلیه در شام است.



هیچ‌گاه این کتاب به عربی نوشته و منتشر نشده است. متن انگلیسی آن پر است از سستی‌ها و سبکی‌ها و تهمت‌های ناروا به اسلام و پیامبر مسلمانان. همچنین، انشاء متن نشانگر عدم تسلط نویسنده به زبان عربی است. شگفت آنکه بدول سیاه‌ای از عناوین سوره‌های قرآن را بنا به درخواست استاد خود، توماس ارپینیوس، شرق‌شناس بزرگ هلندی در آخر کتابش آورده است.^(۶۸) به طور یقین هر فعالیت تبلیغی بحث و جدل‌هایی را به دنبال دارد، از آن جمله یک مسیحی (اسپانیایی) به نام خروم زاویر (Jerome Xavier) که در ایران و هند فعالیت داشته، کتابی به زبان فارسی علیه اسلام و در دفاع از مسیحیت با عنوان آینه حقیقت نمادر سال ۱۵۹۶م، به نگارش درآورد. این کتاب همراه با کتاب دیگری به نام دستان مسیح، توسط چاپخانه زاویر در لیدن در سال ۱۶۳۹م، چاپ و منتشر شد.^(۶۹)

کتاب آینه حقیقت نمابه دست احمد بن زین العابدین فارسی اصفهانی^{۶۶} افتاد و او رديه‌ای^{۶۷} بر آن نگاشت که این رديه دست به دست منتقل شد.^(۷۰) گویا این رديه برای واتیکان بسیار گران تمام شد، از این روی راهب ایتالیایی را به نام فیلیپو گوادانیولی (Fillipo Guadagnoli) که نخستین استاد زبان عربی در دانشگاه رم بود مأمور کرد رديه احمد بن زین العابدین را پاسخ دهد. گوادانیولی ابتدا در سال ۱۶۳۱م، رديه‌ای به زبان لاتینی با عنوان :

Asphahensis Pro Christiana Religione, qua respondetur as objectiones Ahmed Filli Zin -Alabedin persas.

(دفاع از آیین مسیحیت در پاسخ به رديه احمد بن زین العابدین فارسی اصفهانی در کتابش به نام صاقل المرأة) نوشت و توسط مرکز نشر مذهب کاتولیک در رم منتشر کرد. گوادانیولی سپس رديه خود را به عربی ترجمه کرد و در سال ۱۶۳۷م، در رم با نام اجابة القسيس الحقیق فیلیپس گوادانیولوس الراهب من رهبانية یقال لها بلغة الفرنجی کلیریکوس مینورالی احمد الشریف بن زین العابدین الفارسی الاصبهانی، توسط یک چاپخانه دار لبنانی از روستای بلوقیت به نام یوسف مارونی چاپ و منتشر کرد.^(۷۱) از عنوان کتاب پیداست که این ترجمه کار یوسف مارونی است.

پس از آن، تب مسیحیت به انگلیس رسید. در این راستا

می‌توان از شرق‌شناس انگلیسی ادوارد پوکوک نام برد. پوکوک، کتاب هوگو گروتیوس (Hugo Grotius)، هوگو دو گروت (Jean Hugo de)، را که یک سیاستمدار هلندی بوده به زبان عربی ترجمه کرد و در سال ۱۶۶۰م، با نام فی صحة الشریعة المسیحیة^{۶۸} در آکسفورد منتشر ساخت. او سپس چند فصل از کتاب را انتخاب کرده و با نام مفتاح الخرائن و مصباح الدقائق در لندن منتشر کرد.^(۷۲) اما هیچ اشاره‌ای به نام نویسنده یا تاریخ چاپ آن نکرد. این کتاب توسط کمپانی هند شرقی در حومه خلیج فارس توزیع شد. عبدالعزیز بن حمد بن ناصر آل معمر، از شیوخ عرب، رديه‌ای علیه کتاب فوق تحت عنوان محنة القریب المجبی فی الرد علی عبادة الصلیب^(۷۳)، نوشت و منتشر ساخت. از این نمونه‌ها فراوان است.

هدف از آموختن زبان عربی توسط اروپاییان، تنها برای درک متون عهد قدیم و عهد جدید نبود، بلکه توجه و اهتمام عمیقی برای آموختن این زبان نزد دانشمندانی وجود داشت که نیاز به منابع عربی داشتند تا بتوانند در زمینه‌هایی مانند علم نجوم، پزشکی و غیره، مطالعات خود را تکمیل کنند.

یعقوب کرستمان (Jacobus Christmannus)، شرق‌شناس آلمانی و متخصص علم نجوم، بیش از سایر دانشمندان به این امر اهتمام ورزید و در نتیجه توانست یک نسخه خطی را با نام فی الحركات السماویة و جوامع علم النجوم از منجم معروف احمد بن محمد فرغانی به لاتینی ترجمه و آن را یک بار در سال ۱۵۹۰م، و بار دیگر در ۱۶۱۸م، به همراه حاشیه‌ها و شروحاتی بر آن در شهر فرانکفورت منتشر کند.

انتشار این کتاب برای یعقوب گلیوس، شرق‌شناس هلندی و جانشین توماس ارپینیوس انگیزه‌ای شد تا به بررسی متن عربی این کتاب بپردازد. متن یاد شده، دو سال پس از وفات گلیوس در سال ۱۶۶۹م، در چاپخانه ویرسترات (Weyerstraat) در آمستردام به چاپ رسید.

جای تعجب است که جز انتشار برخی کتاب‌های تبلیغی، کلاً توجه به نشر کتاب‌های عربی در قرن ۱۱ ق/ ۱۷م، در اروپا بسیار کم رنگ بوده و این افول در طول قرن ۱۲ ق/ ۱۸م، نیز ادامه داشته است. در این قرن تنها می‌توانیم از تحقیقات و ترجمه‌های شرق‌شناس هلندی

۶۶. احمد بن زین العابدین از فیلسوفان و اندیشمندان ایران در روزگار صفویان و از نوادگان محقق کرکی و خاله زاده، داماد و شاگرد میرداماد بوده است. او تبلیغ ترسایان اروپایی را زیر نظر داشت و بدان با دیده ستیز می‌نگریست. او نیز کتاب‌هایی در رد شبهات نصارا و رد مذهب یهودیان دارد.
 ۶۷. این رديه با نام صاقل المرأة (پرداختگی آینه) در سال ۱۶۲۱م، نگاشته شده بود.
 ۶۸. نام اصلی این کتاب : Deveritate Religionis christianae.

لشکرکشی کرد. این لشکرکشی آغازگر استعمار فرانسوی و همچنین رویارویی شرق و غرب است. در این دوره، کشورهای اروپایی مانند هلند که در کشورهای عربی و اسلامی منافعی داشتند، اهداف سیاسی استعماری وسیعی در سر می‌پروراندند. آنها در صدد تقسیم جهان اسلام میان خود بودند. بر این اساس، به آشنایی با زبان عربی به طور خاص و زبان‌های شرقی به طور عام اهتمام ورزیدند.

هلند

چاپ کتاب به زبان عربی در هلند نسبت به دیگر کشورهای اروپایی سابقه چندانی ندارد، اما هدف آن در آغاز، همچون دیگر کشورهای اروپایی تبلیغ دین بود. این هدف در سخنرانی رئیس دانشگاه و شهردار، که در مراسم تعیین جانشین برای رافیلنگیوس برگزار شده بود، کاملاً مشهود است. در این سخنرانی چنین گفته شده بود: "شاید بشود کلام مقدس خدا را از راه دریادر بین ملت ناآگاه هلند (هند شرقی) منتشر کرد."



■ فرانسیسکو رافیلنگیوس، ۱۵۲۹-۱۵۹۷ م.

آلبرت اسخولتنز^{۶۹} نام ببریم که بنا بر علاقه شخصی برگزیده‌هایی از تاریخ ابي الفداء و تقویم البلدان از اسماعیل بن علی ابوالفداء، همچنین سیوة صلاح الدین از ابن شداد را انتخاب و به بررسی و تحقیق بر روی آنان پرداخته است. علاوه بر تحقیقات اسخولتنز می‌توانیم از کتاب‌های عبداللطیف بغدادی در علم پزشکی نیز نام ببریم.^{۷۰} انحلال کرسی زبان عربی در دانشگاه لیدن و دیگر دانشگاه‌های اروپایی و ادغام این زبان با کرسی زبان عبری و تورات در قرن ۱۲/۱۸م، خود نشانه بارزی از این امر است. همین کاهش موجب شد تا زبان عربی را در چارچوب زبان‌های سامی آموزش دهند.

در همین رابطه اسخولتنز در سخنرانی خود در سال ۱۷۲۹م، چنین می‌گوید: "زبان عربی فرزند زبان عبری است و آموختن این زبان برای خدمت به دین است." در سخنرانی دیگری در سال ۱۷۳۲م، در مراسمی که به مناسبت انتخاب اسخولتنز به عنوان استاد زبان‌های شرقی دانشگاه لیدن برگزار شده بود، او بار دیگر نظریه خود را تکرار کرد. بیان این نظریه باعث واکنش سریع یوهان یاکوب رایسکه^{۷۰} شد. او به دلیل علاقه شدیدی که به شعر جاهلی داشت، نظریه فوق را به شدت رد کرد.

آموزش زبان عربی در اروپا به ویژه در مدارس آلمان، مسیر جدیدی یافت، تحقیقات زبان‌شناسی در مورد این زبان صورت می‌پذیرفت، زبان استشراق از لاتینی به زبان‌های محلی مانند آلمانی، فرانسه و غیره تبدیل شد. در اواخر قرن ۱۲/۱۸م، اروپا شاهد تغییرات اساسی در فعالیت‌های استشرافی خود گردید. این دوران در تاریخ اروپا به نام دوران روشنفکری یا حرکت اندیشمندانه نامیده می‌شود.

در این دوره دو بُعد سیاسی - مذهبی دستخوش تغییر و دگرگونی شد:

- ۱) تلاش برای از بین بردن نظام‌های فئودالی در اروپا؛
 - ۲) حرکت فکری بر ضد جریان‌های دینی و تسلط کلیسا.
- رشد سیاسی و اقتصادی اروپا و استعمار اروپایی باعث شد که اهمیت بیشتری به بررسی فرهنگ‌های خارج از قلمرو کشورهای مسیحی داده شود. به خصوص پس از اینکه امپراتور فرانسه ناپلئون بناپارت به مصر

۶۹. Albert Schultens، شرق‌شناس هلندی. در سال ۱۷۱۳م، به سمت استاد کرسی زبان‌های شرقی در دانشگاه فراناکو و در سال ۱۷۲۹م، به همین سمت در دانشگاه لیدن انتخاب گردید. در سال ۱۷۴۰م، با حفظ سمت در کرسی مطالعات عهد عتیق نیز تدریس کرد و تا هنگام وفاتش در ۱۷۵۰م، عهده‌دار این سمت بود.

۷۰. Johann Jakob Reiske، خاورشناس پیش‌کسوت و توانای آلمانی با تکیه بر استعداد خدا دادیش و بدون یاری گرفتن از کسی توانست دستور زبان عربی را به خوبی فراگیرد.



پس از انتقال شعبه‌ای از چاپخانه کریستف پلاتن در سال ۱۵۸۵م، از شهر آنورس / آنتورپ^{۷۱} بلژیک، مستعمرة اسپانیای کاتولیک، به شهر لیدن هلند (این منطقه پس از هشتاد سال جنگ طولانی (۱۵۹۸-۱۶۴۸م) تازه از سیطره اسپانیایی‌ها رها شده بود)، چاپ عربی در این شهر رواج پیدا کرد. این نقطه آغاز چاپ عربی در هلند است.

پس از استقلال لیدن از استعمار اسپانیا، اولین دانشگاه به مفهوم امروزی در سال ۱۵۷۵م، در این شهر تأسیس شد. در سال ۱۵۸۶م، مسئولین این دانشگاه، فرانسیسکو رافیلنگیوس، داماد کریستف پلاتن و ناظر شعبه‌ای از چاپخانه پلاتن را به عنوان استاد زبان عبری این دانشگاه انتخاب کرد. زمانی که چاپخانه کریستف پلاتن در شهر آنورس بلژیک بود، رافیلنگیوس در زمینه نشر انجیل چند زبانه کمک‌های شایانی به این چاپخانه کرده بود.

رافیلنگیوس از یکی از کنده‌کاران چوب کمک‌خواست تاحروف عربی مورد نیاز چاپخانه را برایش بسازد. او در سال ۱۵۹۵م، نمونه‌هایی

از این حروف را در کتابچه‌ای با نام نمونه‌هایی از حروف عربی در چاپخانه پلاتن - رافیلنگیوس به همراه «مزمورخمسین»^{۷۲} به زبان‌های عربی و لاتینی در شهر لیدن منتشر کرد.^(۷۵)

تأثیر حروف مغربی در این کتابچه واضح است. همچنین رافیلنگیوس فرهنگی را به زبان عربی - لاتینی^{۷۳} تهیه کرد که شانزده سال پس از مرگ وی، در سال ۱۶۱۳م، به کمک پسرش چاپ و منتشر شد.

این فرهنگ برای استفاده بازرگانان جهانگرد تهیه شده بود. پیش از آنکه فرهنگ رافیلنگیوس منتشر شود، فرهنگ چند زبانه شندلر در شهر هانو آلمان منتشر شده بود.^(۷۶)

در سال ۱۵۹۵م، چاپخانه رافیلنگیوس، متن سخنرانی شاهزاده هلند را به زبان عربی (اعم از فصیح و عامیانه) منتشر کرد. این متن شامل توصیه‌های شاهزاده هلندی به بازرگانانی بود که برای تجارت به خاور دور در حال رفت و آمد بودند.^(۷۷)

(Res, negotium, prob- ratio Seal)	عاستصوا Ex petua serunt, impulerunt.
Alia forma in Fut. حجج Con- tracto, litigo, conqueror, cautor, disputo, ratiocinor, discepto <i>clafs.</i>	لحن حجج Timuit.
حجج Ratiocinatur <i>Gloss.</i> Excusat & defendit se <i>Act. 16. & Rom 1.</i>	لحن حجج Idem quod Heb. <i>Feltum egit.</i>
حجج Disceptator <i>Clafs.</i>	حجج Feltum celebra- brent vire
حجج Dimicatio, dis- putatio, disceptatio, contentio, ratiocinatio <i>clafs. Defensio.</i>	حجج Feltum ex peregrina- tio celebrandi festi causa. <i>etiam dicitur</i>
Forma <i>trita</i> in Ale. حجج Disputabunt.	حجج <i>الحاج</i> <i>Act. 19.</i>
Hinc حجج Disputatio, apologia.	حجج <i>حجج</i> conduces me octo annos.
Vide حجج	حجج <i>Etiam causam & litem in-</i> <i>stituit.</i>
حجج لايسلكون المحجج <i>pro, Non ambulat recte, recto pede, inculpate.</i>	حجج <i>حجج</i> <i>(حجج) Confero, tracto</i> <i>clafs. disputo.</i>
حجج <i>Interp.</i> Et debilitari faciat cum-	حجج <i>Obiectio, causa in</i> <i>lite clafs. & Act. 12.</i> <i>Interp.</i>

صفحه‌ای از «فرهنگ نامه عربی-لاتینی» رافیلنگیوس، لیدن، ۱۵۹۵ م.

quinquagesimus Psalmus

مزمور خمسين

tuam misericordiam magnam secundum Deum & mei Misere
رحمى با الله كعظيم رحمتك
meam iniquitate dolere tuarum miserationum multitudinem secundum &
وكمثل كثرة رفتك امح مائمي
& de meo delicto & multum h. e. Laus
اغسلني كتنزا من ائمي ومن
meo delicto in agnosco ego Quia : me munda non peccato
خطيتي طهرني فاني عارف بانمي
tempore omni in me contra me peccati &
وخطيتي امامي في كل حين
te coram malum & peccati tibi solis Tibi
تك وحدتك لخطات والسر قد امك
tuis verbis in iustificas ut feci
منعت لكما تصدق في اقوالك
Eccē . . . tuo iudicio in vincas &
رتقلب في محاکمتك هندا
me peperi peccati in & sum conceptus iniquitatibus
بالانام حمل بي وبالخطايا ولدتني
A

صفحه‌ای از کتاب «مزمورخمسین» لیدن، ۱۵۹۵ م.

۷۱. Anvers or Antwerp: ایالتی است در شمال بلژیک که بیشتر مردم آن به زبان فلاندری تکلم می‌کنند.
۷۲. مزمور یا مزممار (جمع آن مزامیر) به سرودها و اشعاری گفته می‌شود که آهنگ آنها با نواخته می‌شود.
۷۳. عنوان لاتینی آن: Lexicon Arabicum

Alphabetum Arabicum.	
c ط ک Ta	a ا ا ا Alphi
thd ط ک Thda	b ب ب ب Be
v ع ع ع Ain	c د م ت Te
gh غ غ غ Ghain	th ت م ت The
ph ف ف ف Phe	g ج ج ج Gim
qc ق ق ق Caph	hh ح ح ح Hha
k ک ک ک Kaph	ch خ خ خ Cha
l ل ل ل Lam	d د د د Dal
m م م م Mim	dh ذ ذ ذ Dhal
n ن ن ن Nun	r ر Re
h ه ه ه Hie	z ز Zain
v و و و Vau	s س س س Sin
j ی ی ی Ic	sc ش ش ش Scin
	sad ص ص ص Sad
la ل ا م ا Nph	dh ض ض ض Dhad

■ صفحه‌ای از کتاب «الفبای عربی» آلمان ۱۵۸۲م.

- روجرسی در سال ۱۵۸۳م، کتابی را تحت عنوان مختصر دستور عربی (Compendium Grammatices Arabicae) در آلمان منتشر کرد.

- بارتیملیو رادتمان در سال ۱۵۹۲م، کتابی را با عنوان: مقدمه فی اللغة العربیة در فرانکفورت منتشر کرد.^(۸۱)

- پتروس کرستن^{۷۵} در فاصله سال‌های ۱۶۰۸ - ۱۶۱۰م، کتابی در سه جلد، به زبان عربی با عنوان: فی القواعد العربیة (Grammatices Arabicae) در شهر برسلاو آلمان منتشر کرد.

- فرانسیسکو مارتلوتوس^{۷۶} در سال ۱۶۲۰م، کتابی را به زبان لاتینی با عنوان: مبانی زبان عربی (Institutiones Linguae Arabicae) در رم چاپ و منتشر کرد.

- پتروس میتوشی مارونی در سال ۱۶۳۴م، کتابی در زمینه دستور زبان عربی در رم منتشر کرد.^(۸۲)

توماساوبیچینی^{۷۷} در سال ۱۶۳۱م، کتاب الاجر ومیة از

در سال ۱۵۹۳ م، دانشگاه لیدن یک فرانسوی تبعه ایتالیا را به نام ژوزف اسکالیزه^{۷۴} به سمت استاد کرسی مطالعات شرقی منصوب کرد. توجه و اهتمام اسکالیزه به زبان عربی در حدی بود که بتواند به او در مطالعه اخترشناسی کمک کند. اسکالیزه زبان عربی را از یک فرانسوی به نام گیوم پوستل فرا گرفت. او این زبان را در دوران اقامتش در استانبول از سفیر فرانسه در آن شهر آموخته بود.

پوستل همانند ریموند لول، ولیم بدول و دیگران برای اعتقاد بود که مسیحی کردن مسلمانان امر آسانی است. او در بخشی از سخنانش چنین می گوید: اگر ما برخی از احکام غیر قابل انکار مسیحیت را برای مسلمانان به زبان عربی بیان کنیم، به راحتی می توانیم آنان را مسیحی کنیم.^(۷۸) به تعبیر وی، هر کسی که به زبان عربی تسلط یابد می تواند شکم دشمنان آیین مسیحیت را با شمشیر کتاب مقدس (انجیل) ببرد و عقاید آنان را از طریق باورهای خود آنان مورد تکذیب قرار دهد و بالاخره می تواند از راه یک زبان واحد (یعنی زبان عربی) با مردم جهان ارتباط برقرار کند.^(۷۹)

پوستل، در سال ۱۵۳۸م، کتابی درباره دستور زبان عربی منتشر کرد که از انتشار این کتاب جز آموزش زبان عربی برای مبلغین هدف دیگری نداشت. او اخلاق عجیبی داشت و آرزوهایش خیال پردازانه بود. او در کتاب خود تحت عنوان همزیستی در کره زمین (Con de orbis terrae) که در سال ۱۵۴۴م، در شهر بال منتشر کرد، جهانیان را به وحدت ادیان و وحدت ملتها دعوت کرده بود. بدین سبب او را مردم رؤیایی نامیده بودند. جالب تر اینکه جهان و کشور رؤیایی پوستل الزاماً مسیحی بود.

با آنکه کتاب های متعددی در زمینه صرف و نحو زبان عربی، توسط چاپخانه مدیچی و چاپخانه های دیگر منتشر شده بود، اما اشتیاق مبلغان برای نجات دادن گمراهان از ظلمات (!) به حدی شدید بود که باعث برانگیخته شدن افراد دیگری گردید تا به پژوهش در این زمینه بپردازند و آثاری در این زمینه به چاپ برسانند. چند تن از این افراد و آثارشان :

- یعقوب کرستمان در سال ۱۵۸۲م، کتابی را تحت عنوان الفبای عربی (Alphabetum Arabicum) با قالب های چوبی در شهر نوشتاد آلمان چاپ و منتشر کرد.^(۸۰)

۷۴. Joseph Scaliger، نام وی به صورت اسکالیزر نیز ضبط شده است. شرق شناس فرانسوی و زبان شناس بزرگ زبان های کهن یونانی و لاتینی است.

۷۵. کرستن نام پزشک اهل برسلاو (شرق آلمان) است که نخستین چاپخانه عربی را در آلمان تأسیس کرد.

۷۶. Franciscus Martellottus، راهبی است از فرقه فرانسیسکن.

۷۷. Tommaso Obicini، شرق شناس ایتالیایی و راهبی از فرقه فرانسیسکن است. ده سال در شرق به سربرد سپس به رم بازگشت و به عنوان مدرس زبان های شرقی در کلیسای سنت پی پترو رم مشغول شد.



ابن آجروم همراه با ترجمه لاتینی آن را در رم منتشر کرد.^(۸۳)
 - کریستیان راو^{۷۸} که خود یک شرق شناس آلمانی بود به علت آشنایی با یک مسیحی حلبی ساکن اوترخت هلند، توانست کتابی را در سال ۱۶۵۰م، با نام دستور زبان عمومی برای درک زبان های اتیوپی شامل: زبان های سامی، عبری، کلدانی، سریانی و عربی... (A General grammar for the ready the Ethiopic Languages attaining of the Ebrew, Samaritan, Calde, Syriac, Arabic and ...) چاپ و منتشر کند.^(۸۴)

این کتاب نخستین کتابی بود که در زمینه دستور زبان عربی در شهر لیدن منتشر می شد.^(۸۵)
 ناگفته نماند که یعقوب گلیوس نیز با این مسیحی اهل حلب آشنا شده بود و از او کمک می گرفت.
 نکته در خور توجه این است که در قرون ۱۶ الی ۱۸م، کتاب الاجرومیه تأثیر به سزایی در استشرق اروپایی داشت. این کتاب همان طور که قبلاً اشاره شد، توسط شرق شناس ایتالیایی جیوانی باتیستا رایموندی در سال ۱۵۹۲م، به انگیزه مسائل تبلیغی به لاتینی ترجمه و منتشر شده بود.

کتاب رایموندی مبنایی شد برای توماس ارپینیوس، شرق شناس هلندی و استاد کرسی زبان عربی.
 او در سال ۱۶۱۳م، کتابی را با عنوان دستور زبان عربی^{۷۹} در شهر لیدن منتشر کرد.

گزیده های از این کتاب نیز با نام اصول زبان عربی در شهر لیدن منتشر شد. در این چاپ ارپینیوس برخی تمرین های دستوری و راهنمایی هایی درباره روش درست آموزش زبان عربی را به آن اضافه کرده بود.
 با آنکه از کتاب الاجرومیه دو چاپ مدیچی و آبیجینی وجود داشت، چاپخانه ارپینیوس این کتاب و کتاب العوامل المائة منسوب به عبدالقاهر جرجانی را در سال ۱۶۱۷م، (همراه ترجمه لاتینی و توضیحات) به چاپ رساند.^{۸۰}

کتاب ارپینیوس توسط جبرائیل صهیونی، اسخولتنز و میخانلیس^{۸۱} ویرایش شده، متون خواندنی بیشتری بر

آن افزوده شده بود. این کتاب چندین بار تجدید چاپ شد^(۸۶) و برای دو قرن تمام به عنوان بهترین کتاب دستور زبان عربی در سراسر اروپا مورد استفاده قرار گرفت. کتاب یاد شده، اهمیت خود را تا آغاز قرن نوزدهم و دقیقاً تا سال ۱۸۱۰م، که سیلوستر دوساسی^{۸۲}، شرق شناس معروف فرانسوی، کتاب دستور زبان عربی خود را با عنوان التحفة السنية فی علم العربیة منتشر کرد، همچنان حفظ کرده بود.

در صفحه عنوان کتاب ارپینیوس آمده که در سال ۱۶۳۸م، کاردینال ریشیلو^{۸۳}، نخست وزیر فرانسه دستور داده است، این کتاب چاپ شود و به طور رایگان میان هیأت های تبلیغی در شمال آفریقا توزیع گردد.

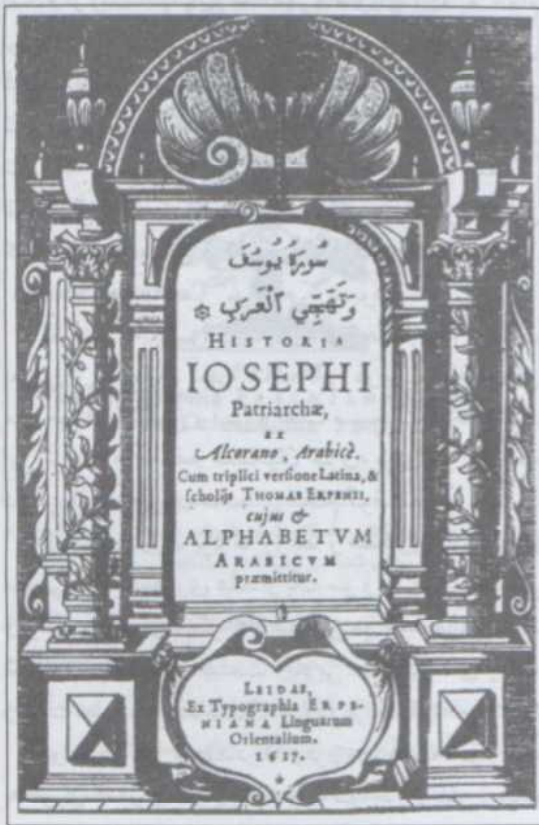
از آنجا که این کتاب ها با اهداف تبلیغی و استعماری منتشر می شد، لذا در اغلب آنها متون قرآنی دیده نمی شود و بیشتر متن ها از ترجمه های عربی کتاب مقدس (عهد جدید یا عهد قدیم) انتخاب شده است. دو کتاب دستور زبان عربی از حنا شلق عاقوری و پتروس میتوشی معروف به میتوستا که در شهر رم، به ترتیب در سال های ۱۶۲۲ و ۱۶۲۴م، منتشر شد، بهترین نمونه از این مورد است.

حرکت استشرق در هلند و به طور خاص در لیدن (مرکز این حرکت)، اساساً بر لغت شناسی، به ویژه چاپ و انتشار فرهنگ های عربی استوار بود. گرچه در قرن هفدهم، در اروپا نیز کوشش هایی در زمینه چاپ فرهنگ های عربی صورت گرفته بود، لیکن نتیجه مطلوبی نداشت. نمونه ای از این کارها، فرهنگی است با نام معجم اللغة العربیة العامیة^{۸۴} که ژرمانوس سیلزی^{۸۵} در سال ۱۶۳۶م، در رم، آن را به زبان عامیانه عربی - ایتالیایی تهیه و برای استفاده مبلغین منتشر کرد، تا آنها با فراگیری زبان عامیانه به طور مستقیم با مسلمانان ارتباط برقرار کنند. با این وجود، فرهنگ ژرمانوس در روند استشرق اهمیت چندانی نیافت و تنها برای خود مبلغین کاربرد داشت، لذا فرهنگ لاتینی - عربی رافیلنگیوس جایگزین آن شد. این فرهنگ نیز که در سال ۱۶۱۳م، در شهر لیدن منتشر شده بود عمر چندانی نیافت و جای خود را به فرهنگ

۷۸. Kristian Rau: نام لاتینی وی راویوس (Ravius) است. شرق شناس و دانشمند آلمانی.
 ۷۹. عنوان لاتینی آن چنین است: Grammatica Arabica
 ۸۰. عنوان لاتین این کتاب چنین است:
 Grammatica Arabica dicta Gjarumice, ex libellus Centum regentium Cum Vers ione latina ex Commentarijs Thomas Eperni.
 ۸۱. یوهان دیوید میخانلیس / Johann David Michaelis: تئولوژین (دانشمند الهیات) شرق شناس آلمانی است.
 ۸۲. آنتوان آیزاک سیلوستر دوساسی / Antoine Issac Silvestre de Sacy.
 ۸۳. آرمان ژان دوپلسی ریشیلو.
 ۸۴. عنوان لاتینی این فرهنگ: Fabrica Ouvero Dictionario della lingua volgare Arabica ed italian
 ۸۵. Dominicus Germanus de Silesia: راهب و مبلغ آلمانی از فرقه فرانسیسکان است.

جنبه تبلیغی آموزش زبان عربی در سخنرانی ارپینیوس در مراسم انتخابش به عنوان استاد دانشگاه عملاً آشکار شد. او گفته بود: "بیش از آنچه فکر می کردم، مسلمانان، عالم به علم کلام دارند و اغلب آنها فاسد و گمراهند، زیرا دشمن دین و صلیب هستند. اما همانطور که آگاهید، فراگیری عربی برای مسیحیان مفید و بلکه ضروری است تا بتوانیم هر چه بیشتر این ملت بزرگ را مسیحی کنیم. بدون این زبان نمی توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم، همچنین نمی توانیم آنها را از این بدعت ها که افکار آنها را مسموم کرده است، باز گردانیم".^{۸۶}

ارپینیوس در مقدمه کتاب خود بانام سوره یوسف و تهجی العرب درباره ترجمه کل قرآن به زبان لاتینی چنین آورده است: "قصد دارم تفسیری مطمئن به همراه رد و تکذیب آن ارائه دهم". اما این طرح با مرگ ارپینیوس عملی نشد و بعد جانشین وی یعقوب گلیوس صاحب فرهنگ عربی-لاتینی در صدد انجام این کار بر آمد، اما او نیز در گذشت.



■ صفحه عنوان کتاب «سورة يوسف و تهجی العرب» لیدن، ۱۶۱۷ م.

عربی - لاتینی یعقوب گلیوس داد. گلیوس در نگارش فرهنگ خود که در سال ۱۶۵۳ م، در لیدن منتشر شده بود، از فرهنگ های برجسته عربی همچون القاموس المحيط^{۸۶} از محمد بن یعقوب فیروزآبادی، کمک گرفت. فرهنگ گلیوس با موفقیت بی نظیری در اروپا روبرو شد، آن چنان که بیش از یک قرن و نیم به عنوان منبع اصلی در اروپا مورد استفاده قرار گرفت تا اینکه فرهنگ چهار جلدی عربی-لاتینی فریتاگ^{۸۷} جانشین آن شد. این فرهنگ در فاصله سال های ۱۷۳۰ تا ۱۷۳۷ م، در شهر هاله آلمان منتشر شد.

در قرن هفدهم میلادی، شرق شناسان در زمینه استشراف فعالیت جدیدی انجام ندادند. فعالیت های این قرن به چاپ و نشر یا در حقیقت تجدید چاپ چند کتاب آموزشی که قبلاً منتشر شده بود معطوف گردید. علت این رکود، ماهیت صرفاً دینی استشراف در آن قرن بود. برخی از شرق شناسان مذهبی، مانند یعقوب کرستمان و روجرسی از آلمان و اسکالیزه از فرانسه، تحت تأثیر عقاید مذهبی استاد خود گیوم پوستل قرار داشتند و همچون او معتقد بودند در آموزش زبان عربی باید از انجیل ترجمه شده استفاده کرد. به عقیده آنها، زبان عبری، مادر زبان های سامی است. آنها آموزش زبان عربی را تنها وسیله ای برای درک و فهم برخی از اصطلاحات دشوار زبان عبری موجود در تورات می دانستند.^{۸۷}

اسکالیزه استفاده از متون قرآنی را برای فراگیری زبان عربی توصیه کرده بود و حتی در این مورد به یکی از شرق شناسان فرانسوی گفته بود: "شما نمی توانید عربی را بدون قرآن یاد بگیرید همانطور که نمی توانید عبری را بدون تورات یاد بگیرید". با این همه، او از آموزش زبان عربی هدفی تبلیغی داشت و مبلغان را یاری می کرد تا قرآن را تکذیب کنند و از این راه مسلمانان را مسیحی کنند.^{۸۸} او مقایسه قرآن را با ترجمه لاتینی کتاب گیتون که در سال ۱۵۴۳ م، تئودور بیبلاندر (Theodor Bibliander) آن را در شهر بال منتشر ساخته بود، لازم می دانست.^{۸۹}

تعصب توماس ارپینیوس، جانشین اسکالیزه در کرسی زبان عربی، از استاد خود کمتر نبود. او نیز به اهمیت زبان عربی برای فهم متون تورات و انجیل عبری و همچنین ترجمه تلمود آرامی^{۸۸} معتقد بوده است.

۸۶. عنوان کامل کتاب: القاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لمآذیب من کلام العرب شماطیط می باشد.

۸۷. گنورگ ویلهلم فریتاگ / Georg Wilhelm Freytag، شرق شناس آلمانی و از شاگردان سیلوستر دوساسی بود.

۸۸. تلمود مجموعه مدون شریعت شفاهی یهود است. به عبارت دیگر کتابی است که یهودیان از اقوال و تعلیمات شفاهی علمای بزرگ و مشایخ خود گرد آورده اند. این مجموعه مشتمل بر دو قسمت است: (۱) میشنا: متن شریعت شفاهی به زبان عبری است. (۲) گمارا: متن شریعت شفاهی به زبان آرامی است.



گلیوس در مقدمه کتاب عجائب المقدور فی اخبار تیمور از احمد بن محمد بن عربشاه که در سال ۱۶۳۶م، در شهر لیدن منتشر شده بود^{۸۹}، چنین نوشت: «ضروری است که جهان مسیحیت با خرافات و اشتباهات مسلمانان آشنا شوند تا آن رابه خوبی بفهمند، بادل و جان و تعصب با آن بجنگند و با داشتن تقوی و منطقی صحیح، دارویی شفابخش برای درمان این زخم پیدا کنند که قرن های زیادی با سهل انگاری در تاریکی مانده و سرانجام متعفن شده و بخش اعظم جهان را فرا گرفته است.»^(۹۰)

یک شرق شناس معاصر هلندی معتقد است که هدف گلیوس در درجه اول، دانشجویان مسیحی هستند که عربی می آموختند. او می خواست آنها را از گرداب دو چهرگی اسلامی نجات دهد.^(۹۱)

گلیوس قصد داشت «تفکر آلوده اسلامی»^(۱) را با دارویی شفابخش درمان کند، لذا ترجمه کتابی را در رد و تکذیب اسلام از زبان اسپانیایی به لاتینی آغاز کرد، که به اتمام نرسید.^(۹۲) این کتاب که نوشته یک یهودی تازه نصرانی شده به نام یوهانس اندریاس^(۹۳) بود، در سال ۱۵۳۷م، در شهر سویل به زبان اسپانیولی و نیز در سال ۱۵۴۰م، در همین شهر به زبان ایتالیایی ترجمه و منتشر شد.^(۹۴) البته، پیش از گلیوس، استاد وی اسکالیزه برای ترجمه این کتاب با نام آشفنگی فرقه محمدی (Muhammedicae Confusion Sectae)^(۹۵)، اقدام کرده بود.

گلیوس که کنسول هلند در شهر حلب بود، با کمک بعضی از مسیحیان شهر، کتاب هایی در باب موعظه های مسیحی درباره دین و آیین و آداب مسیحیت ترجمه کرد. این ترجمه ها به نفع مسیحیان شرق، برای در امان نگه داشتن آنها از طوفان محمدی انجام گرفت.

در همین دوران بود که روابط و همکاری بازرگانی و سیاسی میان جمهوری هلند از یک سو و امپراتوری عثمانی و مراکش از سوی دیگر آغاز شد. این دو علیه اسپانیا متحد شدند (اسپانیا هنوز قسمت جنوبی سرزمین های پست راتحت تصرف خود داشت که امروزه بلژیک نامیده می شود). روابط مراکش و هلند در آغاز قرن هفدهم محکم تر شد، به طوری که دزدان دریایی هلندی به سواحل مراکش نزدیک می شدند و با مراکشی ها علیه کشتی های اسپانیایی همکاری می کردند. حتی برخی از آنها «الجزایر» را به عنوان مقر خود انتخاب کردند. گروهی از آنان نیز به اسلام گرویدند و به

تدریج در نیروی دریایی اسلامی مقام گرفتند و گاه رتبه های بالایی در ارتش مراکش یا امپراتوری عثمانی گرفتند.

مبادله نمایندگان سیاسی و بازرگانی میان این کشورها معمول شده بود تا جایی که در سال ۱۶۱۵م، شاهزاده موریتس، لایحه یک قرارداد نظامی میان هلند و امپراتوری عثمانی و مراکش را برای اشغال اسپانیا و پس گرفتن اندلس ارائه کرد.^(۹۶) اما به خاطر مشغله سلطان عثمانی در شهر بلقان (در ناحیه شام) و نیز درگیری سلطان مراکش در شورش های داخلی، این قرارداد نظامی تحقق نیافت. در سال ۱۶۱۲م، هلند مانند ونیز، انگلیس و فرانسه، امتیازهای تجاری خاصی را برای تأسیس مراکز بازرگانی در امپراتوری عثمانی کسب کرد. به همین منظور کنسولگری هایی برای این مراکز تجاری در خاورمیانه، شمال آفریقا و به ویژه در سواحل مدیترانه تأسیس شد. این روابط سبب می شد تا عملاً نیاز به زبان عربی احساس شود، بنابراین دانشگاه لیدن شخصی به نام یان تونسی^(۹۷) (Jan Theunisz) را به عنوان مدرّس زبان عربی استخدام کرد. یان تونسی در اصل چاپخانه دار، فروشنده کتاب و نیز مدیر یکی از هتل های آمستردام بود و به زبان عربی علاقه فراوانی داشت. او مقداری از این زبان را از رافیلنگیوس و بقیه رابه کمک یکی از فرستادگان مراکشی که در هتل او اقامت داشت، فرا گرفته بود. تونسی همزمان، با چاپخانه ای در لیدن همکاری می کرد.

در سال ۱۶۱۲م، این چاپخانه نامه بولس به تیتس را با ترجمه او به زبان های عربی و لاتینی منتشر کرد. یان تونسی کتابی نوشت که بحث و گفتگوی وی را با نماینده مراکشی که از او به نام عبدالعزیز یاد می کرد شامل می شود. این بحث و گفتگو که درباره دفاع از مسیحیت بود هنوز چاپ نشده است.^(۹۸) با این وجود، شورای دانشگاه با استخدام یان تونسی به عنوان استاد به دلیل اختلاف مذهب^(۹۹)، مخالفت کرد. در سال ۱۶۱۲م، چاپخانه رافیلنگیوس در لیدن نامه های یوحنا را نیز از ولیم بدول به زبان های عربی و لاتینی منتشر کرد. در این سال ارپینیوس شاگرد بدول از پاریس به لیدن بازگشت و سال بعد، چاپخانه رافیلنگیوس کتاب وی را که نحو عربی نام داشت منتشر کرد. دانشگاه لیدن نیز او را به عنوان استاد کرسی زبان عربی برگزید. در همان سال، متن عربی و ترجمه لاتینی بخشی از انجیل متی^{۱۰} توسط چاپخانه یاد

۸۹. عنوان لاتینی این کتاب چنین است:

Ahmedis Arabsiadae vitae et Rerum Gestarum Timuri quivulgo tamerlanes dicitur historia.

۹۰. یکی از چهار کتاب مقدّس مهم مسیحیان است که عبارتند از: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، انجیل یوحنا. متی از حواریون حضرت عیسی (ع) است ولی این نسبت قطعی نیست.



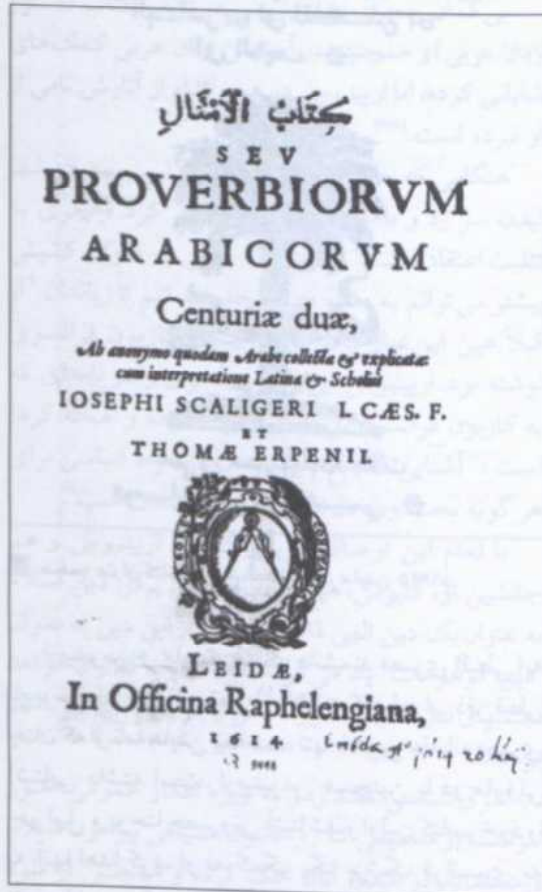
از این رو، ارپینیوس تصمیم گرفت چاپخانه مستقلی در منزلش تأسیس کند و فردی را بیابد که حروف چاپی عربی را به سبک حروف چاپخانه مدیچی طراحی کند. در سال ۱۶۱۵م، چاپخانه ارپینیوس اولین کتاب خود را با نام امثال لقمان الحکیم و بعض اقوال العرب^{۹۱} منتشر کرد.



■ صفحه عنوان کتاب «امثال لقمان الحکیم و بعض اقوال العرب» آخرین کتاب چاپ شده در چاپخانه رافیلنگیوس، لیدن، ۱۶۱۲ م.

و پس از آن، به تدریج کتاب‌های زیر را روانه بازار ساخت: - العهد الجدید لربنا یسوع المسیح^{۹۲}، سال ۱۶۱۶م، بالای صفحه عنوان این کتاب، داخل یک دایره عبارت «لا اله الا الله و المسیح ابن الله» چاپ شده است.

شده به نام وی منتشر شد. آخرین کتابی که چاپخانه رافیلنگیوس در لیدن منتشر کرد، کتاب الامثال^{۹۱} در سال ۱۶۱۴م، بود. این کتاب قبلاً به صورت نیمه تمام، به وسیله اسکالیزه و کازیون^{۹۳} فرانسوی نوشته شده بود. سپس ارپینیوس آن را به اتمام رساند و ویرایش کرد.



■ صفحه عنوان کتاب «الامثال» لیدن، ۱۶۱۴ م.

همانطور که گفته شد کتاب الامثال آخرین کتاب چاپخانه رافیلنگیوس بود. پس از آن ولیم بدول برخی از حروف عربی این چاپخانه را خرید و با خودش به انگلیس برد. از بقیه این حروف هیچ خبری در دست نیست.

۹۱. عنوان لاتینی این کتاب : Proverbiorum Arabicorum Centuria duae : ۱۶۱۴. اسحق کازیون / Isaac Casaubon : متکلم کالونی مذهب فرانسوی و دبیر کتابخانه پادشاه، او از مهم ترین دانشمندان علوم یونانی در عصر خود و دارای اطلاعات وسیع و گسترده‌ای بود.
 ۹۲. در سال ۱۶۱۵م، چاپخانه ارپینیوس به انتشار مجموعه دیگری از کتاب الامثال، به همراه افسانه‌هایی منسوب به لقمان حکیم پرداخت، که در واقع ویرایش همان افسانه‌های ایروپ یونانی بود به قلم نویسنده مسیحی و ناشناس از اهالی مصر با همان گویش گنگ و مخصوص نویسندگان مسیحی قبطی بود. این کتاب با عنوان زیر به چاپ رسید:

Locmani Sapiensis Fabulae et selecta quaedam Arabum adagia cum interpretatione et notis.

چنانکه از عنوان کتاب برمی آید، متون عربی با ترجمه لاتینی و توضیحات همراه شده است.

۹۴. عنوان لاتینی آن : Novum D. N. Jesu christi Testamentum Arabice.

تاریخ المسلمین

من
صاحب شریعة الاسلام ابی القاسم
محمدالی الدولة الاتابکية *
تالیف
الشمخ المکین جرجس بن العبد ابی
الہاسر بن ابی المکارم بن
ابی الطاہر



ختم فی مدینة لہدا بالات
توماس الاربنی

■ صفحه عنوان کتاب «تاریخ المسلمین ...» لیدن، ۱۶۲۵ م.

ارپینیوس در پاریس با یک دانشمند مصری (قبطی) به نام یوسف بن ابی ذقن قبطی^{۹۵} ملاقات کرد. ابن ابی ذقن قبطی چنان که از نامه هایش پیداست، تنها با عربی عامیانه مصری آشنایی داشته است. ارپینیوس همچنین با دو مارونی جبرائیل و یوحنا حصرونی آشنا شد و اولین کتاب خود را به آنها اهدا کرد. او به کمک یک پزشک فرانسوی به نام ایتیان هوبر که پیش از آن به عنوان پزشک و جاسوس در کاخ مغرب به طبابت اشتغال داشت^(۱۰۰) توانست با یک فرستاده مراکشی به نام احمد بن قاسم حجری ملاقات کند.



■ صفحه عنوان کتاب «العهد الجديد لرنا يسوع المسيح» لیدن، ۱۶۱۶ م.

- سورة يوسف و تهجّي العرب^{۹۵} به انضمام ترجمه لاتینی قرآن کریم از تئودور بیلیاندر و نیز ترجمه ارپینیوس با تعلیقات و توضیحات نحوی وی در سال ۱۶۱۷ م.؛
- تاریخ المسلمین من صاحب الشریعة ابی القاسم محمدالی الدولة الاتابکية^{۹۶} را در سال ۱۶۲۵ م. به زبان های عربی و لاتینی چاپ و منتشر کرد.
در همان سال، متن عربی آن را بدون ترجمه، به صورت ناقص انتشار داد. در سال ۱۹۵۵ م. تکمله آن توسط کلود کاهن^{۹۷} منتشر شد.^(۱۰۰)

۹۵. عنوان لاتینی آن : Historia Josephi patriarchae et Alcorano Arabice, cum tripliciversione latina et scholiis
۹۶. عنوان لاتینی این کتاب :

Historia Sarocenica qua Res Gestae Muslimorum inde a muhammede primo imperii Religionis Muslimicae auctore, explicantur us que ad initium imperii Atabacaei.

۹۷. Claude Cahen, شرق شناسی فرانسوی است در سال ۱۹۳۸ م. به عنوان استاد در مدرسه السنة شرقیه پاریس دعوت شد و بعد استاد تاریخ اسلام در دانشکده ادبیات دانشگاه شهر استراسبورگ و نیز دانشگاه پاریس شد.

۹۸. نام وی به لاتین : Joseph Barbutus Abu dactus

حجری برای پس گرفتن اموال و اثاثیه مورسکوهایی که توسط پادشاه اسپانیا، فیلیپ سوم از اسپانیا اخراج شده بودند، به فرانسه آمده بود. مورسکوها پس از اخراج، از دزدان دریایی فرانسوی درخواست کردند تا آنها را در برابر پول، از سواحل اندلس به مراکش انتقال دهند، اما دزدان اموال آنها را ربودند.

بی گمان حجری به اریپنیوس در تألیف کتاب (دستور زبان عربی) و همچنین در آموزش زبان عربی کمک‌های شایانی کرده، اما اریپنیوس در هیچ کدام از آثارش نامی از او نبرده است.^(۱۱)

هنگامی که حجری به هلند آمد، به اریپنیوس در شهر لیدن سر زد و با او بحث و تبادل نظر کرد. حجری به تئلیث اعتقاد داشت و می گفت: "من به عنوان کشیش بیشتر می توانم به ملت خودم خدمت کنم تا زبانندان." او قبلاً عین این عبارت را برای اسحق کازبون فرانسوی نوشته بود. اریپنیوس این تمایل حجری را در نامه‌ای که به کازبون فرانسوی نوشته بود، بیان کرده و اضافه کرده است: "آشنایی با منابع فقهی اسلامی شرط اساسی برای هر گونه بحث و تبادل نظر مفید با مسلمانان است."

با تمام این اوصاف و با اینکه هم اریپنیوس و هم جانشین او، گلیوس، هیچ گونه احترامی برای دین اسلام به عنوان یک دین الهی قائل نبودند و از این دین به عنوان "دین موهومات" یاد می کردند، اما از پایه گذاران قواعد استشرق در هلند، به طور اخص و در اروپا، به طور اعم بوده اند.

شرق شناسی هلندی و به ویژه افکار عمومی، هنوز نتوانسته از مفاهیمی که روحانیون مسیحی پیرامون اسلام و مسلمانان در اذهان آنان حک کرده و همچنین از انبوه تصوراتی که به وسیله نوشته‌های استدلالیون در ذهن اروپاییان رسوخ کرده و به هلندی "Beeldorming" نامیده می شود، رها شود. این طرز تفکر همچنان به حیات خود ادامه می دهد، حال می خواهد رفتار آن عرب یا مسلمان خوب یا بد باشد. آنان با ادعای آزادی فکر و بیان، تر و خشک را با هم می سوزانند.

آنچه که مسلم است، استشرق در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، اهداف و انگیزه‌های صرفاً دینی داشته و این امر در نوشته‌هایی که شرق شناسان اروپایی درباره اسلام قلم زده اند، به وضوح دیده می شود. این گرایش در نیمه اول قرن نوزدهم نسبتاً تغییر پیدا کرد و دلیل آن آثاری بود که بیشتر به جنبه‌های دنیوی اسلام پرداخته بود. این تحوک از دینی به دنیوی نه تنها در زمینه استشرق بلکه در تمام زمینه‌ها بود و تمام فکر اروپاییان را در نیمه اول قرن

۱۹ میلادی، به خود مشغول کرده بود. در حقیقت، این تحوک به علت کاهش قدرت کلیسا بود که به علت اختلافات داخلی یکپارچگی خود را از دست می داد. به این ترتیب، نقش و تأثیر کلیسا بر جامعه اروپایی بسیار کم رنگ شد. بازتاب این امر به طور آشکار در علوم و فنون گوناگون همچنین در مطالعات و تحقیقات علوم انسانی از جمله استشرق، دیده می شود.

این امر باعث شد که شرق شناسان در این دوره به موضوعات تاریخ اسلام اهتمام بیشتری بورزند. ترجمه کتاب‌های زیر نمونه بارزی از این مسأله است.

۱. المغازی از محمد بن عمر واقدی؛
۲. الطبقات الکبیر او الطبقات الکبری از محمد بن سعد
[[الواقدی]]

۳. تاریخ مکه المکرّمه؛
۴. سیره رسول الله (ص) از محمد بن اسحق و سیره ابن هشام از عبدالملک بن هشام و دیگر سرگذشت‌نامه‌ها و کتاب‌های رجال؛

۵. متون جغرافیایی از محمد بن حوقل و از محمد بن محمد ادیسی و از سایرین؛
۶. دیوان‌های شعر؛

۷. داستان هزار و یک شب و غیره.
ولی با تمام این اوصاف باید گفت که این توجه و اهتمام به زبان عربی و اندیشه اسلامی ادامه نیافت و تمام قرن نوزدهم را در برنگرفت بلکه دوباره همان موج مخالف تفکر مسیحی که به صورت جریان‌های فکری علیه تعالیم کلیسا پدید آمده بود، لبه تیز خود را متوجه اسلام کرد. این امر در تحقیقات شرق شناسان به وضوح قابل مشاهده است.

اعتقاد اروپاییان مبنی بر اینکه دین اسلام همچون مسیحیت هر دو مانع شکوفایی تمدن و علوم در جهان اسلام و جهان غرب هستند، به طور آشکار در کتاب شرق شناس فرانسوی، اولسنر، درباره تأثیر دین محمد (ص) در سه قرن نخست طلوع دین او و تأثیر آن بر ابعاد روحی و روانی و عادت‌ها و نظام‌های حکومتی مردمی که به این دین گرویده‌اند، دیده می شود.^(۱۲)

اهتمام عمیقی که برخی از شرق شناسان نسبت به ادیان جاهلیت از خود نشان می دادند، در درجه اول از همین اعتقاد نشأت گرفته بود، افرادی از قبیل:

- فردریک برگمان در کتاب خود با نام درباره دین اعراب در دوران پیش از اسلام؛^(۱۳)

- انطوان تئودور هارتمان در کتاب کوششی برای توصیف سرزمین عرب از قدیم‌ترین دوران تا دوره



محمد(ص) برای ارائه مفهوم بهتری از این پیغمبر و از قرآن وی^(۱۰۵)
 - گوستاو فایل در کتاب محمد پیغمبر: زندگی نامه و تعالیم او، با استفاده از قرآن و نسخه های خطی^(۱۰۶) و موارد دیگر.
 فعالیت علیه اسلام چه از سوی پروتستان ها چه از سوی کاتولیک ها، همچنان به طور شدید در رم و دیگر مراکز استشرق و مراکز تبلیغی ادامه داشته و دارد. هر چند که در انواع رسانه های تبلیغی و در

فعالیت های کلیساها در سرتاسر جهان، در کلیه شهرها، روستاها و خیابان های قیراندوده، خاکی و سنگلاخی آن و نیز در کلیه جنگل ها و بیابان ها صورت شدیدتری دارد ...
 و هرگز خشونند نشوند از تو جهودان و نه مسیحیان تا آنکه پیروی کنی دین ایشان را^(۱۰۷)
 خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنها تغییراتی در خود ایجاد کنند^(۱۰۸)

* متن حاضر ترجمه مقاله ای است که به عنوان سخنرانی ایراد گردیده است. بنابراین، نه تنها از انسجام مطالب برخوردار نیست بلکه موضوعات تکراری بسیاری در آن مشاهده می شود. از این رو سعی شده است اصول نگارش در ترجمه رعایت شود و ضمن پرهیز از تکرار بیهوده مطالب، به اصل متن خدشه ای وارد نگردد. لازم به ذکر است که اگر حذف و اضافه یا تقدم و تاخیر در مطالب صورت پذیرفته، مطمئناً جنبه سهل انگاری نداشته و از باب ضرورت بوده است. واژه ای معادل فارسی نیافته، آوانویسی همان اسم یا اصطلاح مؤلف را ملاک کار قرار داده است.
 نویسنده تمام پانویس های توضیحی، ارجاعی و ترکیبی خود را در انتهای مقاله آورده و من در اینجا آن را با علامت () مشخص نموده ام و آنچه در پانویس ها آمده، از آن مترجم است. البته، به تشخیص مترجم، بهتر بود جای برخی از اطلاعات و اصطلاحات در پانویس باشد تا در متن، اما به دلیل تداخل آنها با پانویس های مترجم، از این دخل و تصرف اجتناب شده است.
 در پانویس های مربوط به نویسنده، نکات ذیل به چشم می خورد:
 - عدم رعایت یکدستی در ترتیب پانویس های ارجاعی، مثلاً برخی از مدخل های بر اساس عنوان و دیگری بر اساس نام نویسنده اعم از نام خانوادگی یا نام کوچک آمده است. بنابراین مترجم سعی کرده است تمام مدخل ها را بر اساس نام نویسنده بیاورد.
 - در پانویس های ارجاعی، برخی نکات رعایت نشده است، مانند: نقطه گذاری، ترتیب نام پدیدآورنده، فرم نوشتن، فاصله سطور و غیره. به همین جهت مترجم به استناد دستورالعمل های این منبع: عباس حری، آیین نگارش های علمی (تهران: هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۸) عمل کرده است.
 - برخی از پانویس های ارجاعی نویسنده ناقص است و با اینکه مشخصات وضعیت نشر کتاب را (محل نشر، ناشر، سال نشر) نداشته، به شماره صفحه ارجاع داده است. به منظور دستیابی دقیق و سریع به این منابع، مترجم کوشیده است پس از مستند کردن نام نویسنده و عنوان کتاب ها و مقابله با چند نسخه موجود در کتابخانه های مختلف، اطلاعات دقیق کتاب شناختی را به دست دهد.

پی نوشت های مؤلف

۱. الکسندر سیتیپ تشفتیش، تاریخ کتاب، ترجمه محمد م. الأرناؤوط (کویت، المجلس الوطنی للثقافة والفنون والآداب، ۱۳۱۳ق-۱۹۹۳م)، ج ۱، ص ۴۸.
۲. اسفند دال، تاریخ کتاب من اقدم العصور الى الوقت الحاضر، ترجمه محمد صلاح الدین حلمی (القاهرة، المؤسسة القومية للنشر والتوزيع، ۱۹۵۸م)، ص ۱۰۰.
۳. دو کارخانه دیگر به ترتیب در سال های ۱۲۷۶ و ۱۲۹۳م در شهر فابریانو و بولونیای ایتالیا ساخت.
۴. الکسندر سیتیپ تشفتیش، همان اثر، ج ۱، ص ۱۹۹.
۵. همان، ج ۱، ص ۲۴۸.
6. T. F. Carter, The invention of printing in china and its spread westward, (N.Y., 1925), pp. 134-55, 240.
7. T. F. Carter, "Islam as a Barrier to printing", Muslim World, vol. 33(1926): 213.
(کارتر در آنجا آنچه را که در صفحه ۱۱۲-۱۱۵ کتاب قبلی خود عنوان کرده بود، تکرار کرد).
۸. اختراع صنعت چاپ در چین و سپس گسترش آن به سوی غرب (الکسندر سیتیپ تشفتیش، همان اثر، ج ۱، ص ۲۴۸).
۹. اسفند دال، همان اثر، ص ۹۶-۹۸ (نویسنده در کتاب خود فقط از چینی ها و اروپایی ها به عنوان استفاده کنندگان قالب های چوبی نام برده است).
10. Gy. kaldy-Nagy, "Beginnings of the Arabic letter printing" in the Muslim East; studies in honour of Julius Germanus (Budapest, 1974), pp. 201-211.
(این منبع درباره صنعت چاپ در امپراتوری عثمانی و عوامل توسعه نیافتگی آن در آنجاست).
11. F. Rosenthal, Gambling in Islam, (Leiden: E. J. Brill, 1975).
12. G. Levi Della vida, "An Arabic Book print", Scientific Monthly, vol. 59 (Dec. 1944); F. Bonola Bey, "Note sur L'origine de L'imprimerie arabe en Europe", Bulletin de L'institute d'Egypte, 5th series, No. 3 (1909); R. W. Bulliet, "Medieval Arabic tarash; a Forgotten chapter in the history of printing", Journal of American Oriental Society, vol. 107 (1987); T. F. Carter, The invention of printing in china and its spread Westward (N.Y., 1925) kara bacek, papyrus Erzherzog ainer - (wien, 1894) p. XVII-XXI H. Loebenstein. Die L'pyrusammlung der Osterreichischen National bibliothek (wien, 1972).
13. Pbrf, "papyrus Erzherzog Rainer" (wien, 1894).
۱۴. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، کتاب الروضتين فی اخبار الدولتين، الصلاحیه و النوریه، ج ۱، ص ۱۴ محمد بن عبدالله ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، عبدالرزاق بن احمد ابن الفوطی، الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی المائة السابعة.
۱۵. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، تراجم رجال القرنين السادس و السابع المعروف بالذیل علی الروضتين، ترجمه و تصحیح محمد زاهد الکوثری (بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۴م)، ص ۱۲۵.
۱۶. رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، مجلد ۲، ص ۱۸۱ و نیز حبیب زیات الدرهم الکاغذ، مجلة المشرق، ۳۵ (۱۹۳۷).
17. K. John, "Das papiergeld", Archiv, vol X (1938): 308-340, Id., "paper Currency in Iran", Journal of Asian History, vol.4 (1970): 101-135.
18. Geschiedenis Van-Arabische culture (utrecht-Antwerpen, 1960) p. 129; 193.
۱۹. قاسم السامرائی، مقدمه فی الوثائق الاسلامیه (الریاض: مکتبه دارالعلوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، ص ۲۴.
۲۰. محمد بن عبدالله ابن الأبار، الحلة السیراء، تحقیق دوزی (لیدن، ۱۸۴۷م)، ص ۱۳۷.
۲۱. همان، نیز Philip khuri Hitti, History of the Arabs, (London, 1964), p. 564.
۲۲. (الریاض: مکتبه دارالعلوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م).
۲۳. اسفند دال، همان اثر، ص ۹۶-۹۸.
24. P. Lunde, "A Missing Link", in Aramco world magazine, 32/2 (N.Y., 1981), p. 27.
۲۵. (الریاض: دار الرفاعی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م).
26. R. Smitskamp, philologia orientalis (Leiden: E. J. Brill, 1983), vol I, p. 22.
27. ibid, p. 42.
28. ibid, p. 42-48.
29. Don Jose Amador de los Rios Historia dela literature espanola (Madrid, 1861-1865), vol. 7, p. 358.

30. F. de Nave, *Philologia Arabica; Arabische Studien en drukken in de Nederlanden in de 16de en 17de eeuw* (Antwerpen, 1986), p. 62.
31. E. Lambrecht, *Catalogue de la Bibliotheque de L. Ecole des langues orientales vivantes* (Paris, 1897), vol. I, p. 93.
32. Petri Hispani de Lingua arabica libri duo paulide Lagarde Studio et Sumptibus repetiti, Gottingee, in Aedib. Dieterichianis, 440 pp.
33. سپس ناسزاهای رکیک علیه پیغمبر اکرم (ص) می آید.
34. G. W. Drost, *De Moriscoes in de publicaties Van staat en kerk (1492-1609) katwijk* (Holland, 1984), p. 86.
35. F. de Nave, *Op. cit.*, p. 62.
36. G. W. Drost, *Op. cit.*, p. 106.
37. این شخص احمد بن قاسم حجری اندلسی است. در حال حاضر، مشغول انجام تحقیق در مورد او و ترجمه آن به انگلیسی با همکاری پیتروشدان کنتزولد و ژرارده و ایگز هتم که ان شاء الله به زودی در اسپانیا به چاپ خواهد رسید.
38. مانند مفتاح الدین و المجادله بین النصارى و المسلمین از محمد قیسی، در مجموعه کتابخانه ملی الجزایر، با شماره ۱۵۵۷ نگاه داری می شود؛ نیز: P. SJ. Van koningsveld; G. Wiegiers, "The polemical works of Muhammad al-Qaysi and their circulation" in *Arabic and al-Jamiado among the Mudejars in the 7th. Century*, in *Al-Qantata* 1994, vol. 15, p. 163-199.
39. در تونس در سال ۱۹۷۵م منتشر شد.
40. نسخه خطی آن در یک کتابخانه عمومی در ریاط با شماره D. ۱۱۳۸ نگاه داری می شود.
41. این کتاب قبلاً در سال های ۱۵۵۱ و ۱۷۰۶م، به ترتیب در شهرهای لووان بلژیک و لیدن هلند منتشر شده بود.
42. R. Smitskamp, *Op. cit.*, vol. 1, p. 23.
43. محمد حجی، "مراکز الثقافه المغربیه ایام السعدیین" مجله البعث العلمی، ۶ (۱۹۶۵): ۳۵-۶۸؛ احمد بن محمد ابن قاضی، جذوة الاقباس فی ذکر من حل من الاعلام مدینه فاس (الریاط، ۱۹۷۳-۱۹۷۴)، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳؛ فهرست احمد المنجور، تحقیق محمد حجی (الریاط، ۱۹۷۶)، ص ۶۹-۷۱؛ محمد بن محمد مخلوف، شجرة النور الزكية فی طبقات المالکيه (تونس، ۱۳۵۰ق) ج ۱، ص ۲۸۱.
44. دکتر پیتروشدان کنتزولد، استاد دانشگاه لیدن، اولین کسی بود که هویت این خروف و رابطه وی با کلتنارد را کشف کرد. و اکنون مشغول تهیه مقاله ای در این ارتباط است که به زودی منتشر می شود.
45. P. S. Van koningsveld, "Muslim slaves and captives in western Europe during the late Middle Ages", *Islam and christian-Relations*, vol. 6 No. 1 (1995): 12; F. de Nave, *Op. cit.*, p. 113-116; R. Smitskamp, *Op. cit.*, vol. 1, p. 23.
46. Carl Brockelmann, *Geschichte der Arabischen Literatur*, (Leiden: E. J. Brill, 1938) supplement band II, p. 489.
(به وجود نسخه ای از آن در پاریس اشاره کرده است.)
47. F. Schnurrer, *De Bibliotheca Arabica* (Halaë: Auctam Nunu Atque intergram, 1811), p. 174.
48. Carl Brockelmann, *Op. cit.*, supplement band I, p. 877; R. Smitskamp, *Op. cit.*, vol. 1, p. 35-37.
49. M. Steinhneider, *polemische und apologetische literature in Arabischer Sprache* (Hildesheim, 1966) p. 91ff ; 205.
50. F. Schnurrer, *Op. cit.*, p. 236 (237); 239 (239).
(دوک فلورانس همان کاردینال مدیچی است.)
51. F. de Nave, *Op. cit.*, p. 216.
52. F. Schnurrer, *Op. cit.*, p. 260-265.
53. R. Smitskamp, *Op. cit.*, vol. 3, p. 33; 343-4.
54. J. B. de Rossi *corano arabico Venitiies paganini typis impresso sub in sec. 16, parmae 1805.*
55. R. Smitskamp, *Op. cit.*, vol. 1, p. 24-26.
56. یحیی الساعاتی، تاریخ طباعة القرآن الکریم بالعربیة فی أوروبا عالم الکتب، مج ۱۵، عدد ۵ (۱۴۱۵ق / ۱۹۹۴م)، ۵۱۸.
57. H. Reusch, *Der index der verbotenen Bucher* (Boon, 1883), I. 137. "der koran in allen Ausgaben und sprachen Vorboten", 163-4;
R. Smitskamp, *Op. cit.*, vol. 2, p. 189. citing Devic, M, une Traduction Inedite du coran, paris, 1883, p. 25 (Journal As. Extrait no.);
Lambrecht, *Op. cit.*, p. 345-6.



۵۸. در این چاپ اشاره‌ای به محل نشر نشده است، ولی لامبرت آن را به شهر زوریخ منسوب می‌کند.
۵۹. پس از درگذشت یولیوس دوم در سال ۱۵۱۳ م، جانشین وی جیووانی دومدیچی که به لئون دهم معروف است، کار او را ادامه داد.
60. E. Lambrecht, Op. cit., p. 396 (1523); Ch. F. Schnurrer, Op. cit., p. 339 (1583).
61. "الطباعة العربية في أوروبا، عالم الكتب مع ۱۵ عدد ۵ (۱۳۱۵ ق/ ۱۹۹۴ م)، ۴۸۳. اما در منبع زیر، تاریخ چاپ کتاب سال ۱۵۸۱ م، در رم ذکر گردیده است: José Balagna, L'imprimerie arab en Occident (XVIe et XVIIeme Siecles)(Paris, 1984), p. 135.
- "Romae, in Collegio societatis Jesu 1581".
62. *ibid.*
63. God. vat. 244; 245.
64. F. Schnurrer, Op. cit., p. 234-236.
65. *ibid.*, "Colloquium Achmad et sinan Romae editum Hune Lp Fum librum innuit Erpenius, Feribens Cafaubono lutetae 4. kal. October 1611" see also M. Steinschneider, Op. cit., p. 91ff.
- (از آن اثر دو نسخه خطی بدون ذکر نام نویسنده و تاریخ کتابت در وائیکان موجود می‌باشد.)
66. R. Smitskamp, Op. cit., vol. 1, p. 35.
67. G. E. Weil, Elie Levita humaniste et massorete 1469-1549 (Lieden: E. J. Brill, 1963).
68. "An Index or catalogue, of which I did frome three or four years fince, at the request of M. Th. Erpenius of Gorchem in Holland, a zealous louer of these studies".
69. Th. Zenker, Bibliotheca orientalis (Leipzig, 1846-61) vol. 1, p. 207-208.
70. S. lee, Controversial tracts of christianity and Muhammedenism (cambridge, 1824); F. Schnurrer, Op. cit., p. 244-5; M. Steinschneider, Op. cit., p. 16-17.
71. M. Steinschneider, Op. cit., p. 16.
۷۲. در چاپخانه D. Macbridge و بدون ذکر تاریخ نشر، منتشر شد.
۷۳. این ردیه بیش از یک بار، از روی چاپ مصر سال ۱۳۵۸ ق، توسط انتشارات دارتقیف در ریاض منتشر شد. رساله دکترای محمد بن عبدالله الساکر که در سال ۱۴۰۵ ق، به دانشگاه "الامام محمد بن سعود الاسلامیه" ارائه داده بود، درباره این موضوع است.
74. Th. Zenker, Op. cit., vol. 1, p. 88-94.
75. "Specimen characterum Arabicorum officinae plantiniana Raphaelengii".
76. R. Smitskamp, Oriental Antiquarium, cat 601, No. 319.
- (به زبان های عبری، آرامی، سریانی، تلمودی و عبری)
77. F. de Nave, Op. cit., p. 98.
78. *ibid.*, p. 49 (XCIV).
79. Karl H. Dannenfeldt, "The Renaissance Humanists and the knowledge of Arabic". Studies in Renaissance, vol. 2 (1955): 111.
80. R. Smitskamp, philologia Orientalis (Leiden: E. J. Brill, 1983) vol. 3, p. 246.
81. F. Schnurrer, Op. cit., p. 20-21.
82. R. Smitskamp, Op. cit., vol. 2, p. 168.
۸۳. قاسم السامری، الفهرس الوصفی للمنشورات الاستشرایقه المحفوظه فی مرکز البحوث بجامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه (الریاض، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م)، متن عبری ص ۲۸، متن لاتین ص ۵۵.
84. M. T. Houtsma, "uit de oostersche correspondenties van Th. Erpenius, Jac. Golius en lev. warner", in letter kundige verhandelngen kon Akad. Wetensch. XVII/ 2, (Amsterdam 1887).
85. R. Smitskamp, Oriental Antiquarium, cat 601, No. 290.
۸۶. یک بار در لیدن در سال ۱۷۷۰ م، توسط اسخولتتز و بار دیگر در گوتتگن آلمان در سال ۱۷۷۱ م، توسط میخائلیس ویرایش شد.
87. F. de Nave, Op. cit., p. 96 (XCVI).
88. *ibid.*
۸۹. در مقدمه تورات موسی (ع)، (لیدن: مطبعة آریینوس، ۱۶۲۲ م).



90. J. Brugman F. Schroder, *Arabic studies in the Netherlands* (Leiden : E. J. Brill, 1979), p. 14.
91. *ibid.*
92. *ibid.*
93. جالب این که هر کتابی علیه اسلام نوشته می شد آن را به یک مسلمان تازه مسیحی شده منسوب می کردند و این کتاب نمونه ای از این سری کتب است که به عبدالله منسوب می شود. در کتاب آمده که او از مردمان شاطبه می باشد. رجوع شود به : M. Steinschneider, *Op. cit.*, p. 220.
94. M. Steinschneider, *Op. cit.*, p. 220.
95. نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه لیدن با شماره Or. ۳۳۹۲ محفوظ می باشد. رجوع شود به فهرست اسخولتنز ۱۲۷۲م.
96. به نقل از کتاب ناصر الدین علی القوم الکافرین، دارالکتب المصریه ۱۶۳۴ طلعت، برگ ۸۹ ب چنین آمده: اگر ما با بزرگان اندلس قرارداد می بستیم و برای آنها انبوهی از کشتی های بزرگ می فرستادیم تا سوار آن شوند، می توانستیم اسپانیارا از آنها بگیریم و اگر با سلطان مراکش قرارداد می بستیم و برای سلطان اعظم آنها... می فرستادیم، می توانستیم کشور آنها تصرف کرده و بیروزشویم.
97. نام لاتینی او : Joannis Antoniadis است.
98. نسخه خطی آن در مرکز اسناد شهرداری لیدن با شماره ۶۹۵۱۰ محفوظ می باشد.
99. یان تونسی mennonite است که یکی از شاخه های مذهب پروتستان می باشد. کلمه "مینونیت" از اسم بنیان گذار آن مینوسیمونس گرفته شده است که اساس این فرقه در نیمه نخست قرن شانزدهم در منطقه فریزلاند واقع در شمال هلند بنیان گذارده شده است. اصول و عقاید این فرقه با کلیسای رسمی و اصلاح گر هلند به طور کلی تفاوت دارد.
100. Claud cahen, "Al-Makin B. Al-Ami'd", *The Encyclopaedia of Islam*, 2 nd. ed., vol. 6, p. 144a.
۱۰۱. بر اساس اعترافات او به حجری، اخبار مغرب رایه صورت رمز می فرستاد.
۱۰۲. نگاه کنید به تحقیق جالبی که ویگرز درباره ارتباط حجری با اریینیوس و گلیوس انجام داده است.
- Gerard A. Wieggers, *A Learned Muslim Acquaintance of Erpenius and Golius: Ahmed b. kasim al-Andalusi and Arabic studies in the Netherlands* (Leiden : Documentatie bureau Islam, 1988).
۱۰۳. این کتاب در پاریس در سال ۱۸۱۰م، منتشر شد.
۱۰۴. این کتاب در شهر استراسبورگ در سال ۱۸۳۴م، منتشر شد.
۱۰۵. این کتاب در شهر اولدنبورگ (آلمان) در سال ۱۸۰۷م، منتشر شد.
۱۰۶. اشتوتگارد ۱۸۲۳م، رجوع شود به: قاسم السامرائی، الفهرس الوصفی للمنشورات الاستشراقیه، ۱۷ (این مجموعه از مرکز اسناد و مدارک به کتابخانه مرکزی دانشگاه امام منتقل شد).
۱۰۷. قرآن، بقره، آیه ۱۲۰.
۱۰۸. قرآن، رعد، آیه ۱۱.